



استاندار آذربایجان شرقی:

مدیریت بحران

پیش از توسعه، راهبرد مدیریت استان

است

در صفحه ۲

یکشنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۴۰۴ سال نوزدهم ۳۵۰۳ قیمت ۵۰۰۰ تومان

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

سرمقاله

۲

اظهارات متناقض ترامپ درباره ایران، نشانه‌ای از سردرگمی راهبردی آمریکا

طرح نو؛ سردبیر
این روزها دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بار دیگر در کانون توجه رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفته است؛ البته نه به خاطر دستاوردی تازه در عرصه سیاست خارجی یا داخلی، بلکه به دلیل تناقضات آشکار در اظهاراتش درباره ایران. او در طول تنها چند ساعت، سه تا چهار موضع متفاوت اتخاذ کرد؛ از تهدید نظامی گرفته تا دعوت به مذاکره و سپس عقب‌نشینی از هر دو موضع!! این تکرار بی‌ثباتی گفتاری، بار دیگر نشان داد که یا ترامپ درک روشنی از سیاست خود در قبال ایران نداشته و از فقدان راهبرد منسجم در برابر یک قدرت منطقه‌ای ریشه‌دار رنج می‌برد، و یا همچنان در حس و حال یک بنگاهدار و املاکی سیر می‌کند که تلاش دارد تا با یک معامله بزرگ یک شاه ماهی صید کند؟! تناقض در گفتار؛ از تهدید تا عقب‌نشینی
ترامپ در بخشی از سخنان روز جمعه‌ی خود، از «گزینه‌های.....»

شهری

۸

شهردار خبر داد:

اختصاص ۶۰ درصد بودجه تبریز به حمل و نقل عمومی

فرهنگ و هنر

۵

با حضور گروه‌های موسیقی و استقبال مردم؛

پنجمین جشنواره موسیقی فجر آذربایجان شرقی برگزار شد

هفته‌ای برای توسعه آذربایجان شرقی

وقتی عددها از آینده درخشان سخن می‌گویند



طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر
دهه فجر ۱۴۰۴ برای آذربایجان شرقی تنها یک مناسبت تقویمی نبود؛ بلکه صحنه‌ای برای نمایش یک الگوی فشرده حکمرانی بود. استاندار آذربایجان شرقی در فاصله ۱۸ تا ۲۳ بهمن ۱۴۰۴ یکی از متراکم‌ترین هفته‌های مدیریتی خود را تجربه کرد؛ هفته‌ای که هم‌زمان با افتتاح و آغاز عملیات اجرایی پروژه‌های بزرگ عمرانی در دو نشست ویدئوکنفرانسی با رئیس‌جمهور و همچنین با حضور وزیر کشور در تبریز،

در صفحه ۲

گزارش

۳

طرح نو با تاکید بر منابع تاریخی، وضعیت آذربایجان در دوره‌ی ساسانی را بررسی می‌کند:

جایگاه تاریخی آذربایجان در ایجاد وحدت و انسجام ملی

طرح نو؛ سردبیر
در بررسی تاریخ ایران پیش از اسلام، نام آذربایجان همواره با پایداری، خرد و مبین‌دوستی همراه است. در دوره‌ی ساسانیان (۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی)، این سرزمین نه فقط یکی از ایالات مهم امپراتوری ایران، بلکه جایگاهی کلیدی در ساختار دفاعی، سیاسی و مذهبی کشور داشت. منابع تاریخی متعدد، از مورخان ایرانی تا نویسندگان عرب و اروپایی، به روشنی نشان می‌دهند که آذربایجان نقشی محوری در بقای دولت ساسانی و پایداری مرزهای ایران ایفا کرده است. در این مطلب کوتاه تلاش کرده‌ام تا با پرداختن به نقش و جایگاه مهم آذربایجان برای ایران دوره‌ی ساسانی، به نقش مهم وحدت و انسجام ملی تمامی اقوام ایرانی، بالاخص آذربایجانی‌ها، از تاریخ باستان تا امروز تاکید داشته باشم.

آذربایجان در آغاز حکومت ساسانیان

اردشیر بابکان، بنیان‌گذار دولت ساسانی، پس از براندازی حکومت اشکانیان و ایجاد وحدت سیاسی در ایران، توجه ویژه‌ای به مرزهای شمال‌غربی کشور داشت. او پس از لشکرکشی به ارمنستان و آذربایجان و آزادسازی این مناطق از تصرف اشکانی‌ها، آذربایجان را به مهم‌ترین پایگاه دفاعی ایران در برابر تاخت‌وتاز خزران و اقوام شمالی تبدیل کرد. در نوشته‌ی کریستین سن در ایران زمان ساسانی، اردشیر بابکان از همان آغاز «به اهمیت مرزهای قفقاز و آسیای صغیر آگاهی داشت و آذربایجان را نخستین سپر ایران در برابر دشمنان شمالی می‌دانست» (۱). این رویکرد بعدها توسط جانشینانش ادامه یافت و آذربایجان به یکی از مراکز نظامی و اداری.....

نگاهی به سفرنامه‌ی منظوم کریمی مراغه‌ای به شهر باکو

۱

استاد میرزا حسین کریمی مراغه‌ای شاعر مشهور آئینی و اجتماعی کشور بود که شعر اجتماعی و طنز نیز می‌سرود. او هزاران بیت شعر به زبانهای آذری و فارسی سرود و شهرتی فراگیر در کشور و به ویژه در جامعه آذری‌های ایران و حتی آذری‌های جدا شده از ایران در قفقاز به دست آورد

۵

هنگامی که سفر پایان می‌پذیرد و شاعر و یارانش وارد ایران می‌شوند، بر خاک پاک میهن بوسه می‌زنند و پرچم سه رنگ ایران را بر روی دیده می‌مالند
دوشوب اوپدوک وطنین توپراقینی
یوزه چه‌کدیک او گوژا بایراغینی

۳

و با اشاره به عهدنامه‌ی ننگین گلستان می‌گوید: ای آنکه آتش را بر ابراهیم گلستان کردی و درد مظلومان را درمان می‌کنی بار دیگر سرزمین را که از وطنم جدا کرده‌اند، به وطنم بازگردان

دندیم ای ناری گلستان ائلبین درد مظلوملارا درمان ائلبین
لطف ائله روحومی قئیتیر بدنه آیریلان توپراقی قئیتیر وطنه

۴

و سپس در لابلای ابیات سفرنامه از وضعیت عمومی نخجوان و باکو، نحوه رفتار مقامات و شاعران آنها سخن می‌گوید و از بلاهایی که روسیه و ترکیه بر سر مردم آن سامان آورده‌اند پرده برمی‌دارد و به مسایل مهم فرهنگی و مذهبی و رواج فساد در آن منطقه اشاره می‌کند. شاعر چندان از وضعیت فرهنگی باکو دل‌آزرده است که می‌گوید باکو زندان مؤمن و بهشت اهل فساد است

الغرض مؤمنه زنداندی باکی
عیاشا روضه رضواندی باکی

۲

سفرنامه باکو یا «باکو سفرنامه سی» بازتاب سفر استاد کریمی به باکو می‌باشد. هنگامی که نگاه شاعر در آن سوی مرز به جلفای نخجوان می‌افتد آه از نهادش برمی‌آید و از اینکه با انعقاد عهدنامه‌های شوم گلستان و ترکمنچای، بخشی از خاک پاک ایران تجزیه شده اشکش روان می‌شود او تاین جلفاسینا دوشدی گوژوم بولمورو هئج نه حالا قالدیم اوژوم



کاری از گروه فرهنگ و ادب

هفته‌ای برای توسعه آذربایجان شرقی

وقتی عددها از آینده درخشان سخن می‌گویند



۱۲ هزار میلیارد تومان که حمل‌ونقل عمومی را به یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری شهری تبدیل کرده است.

تثبیت جایگاه استان در شاخص‌های سرمایه‌گذاری

وزیر کشور در شورای اداری استان، آذربایجان شرقی را رتبه نخست کشور در سرمایه‌گذاری و صدور مجوزهای بی‌نام معرفی کرد؛ جایگاهی که حاصل هم‌افزایی نهادهای اجرایی، بخش خصوصی و مدیریت استانی است. امضای اسناد نمادین تنها چهار طرح سرمایه‌گذاری از ۱۱۰ مجوز بی‌نام مصوب با حضور سرمایه‌گذاران و مدیران دستگاه‌های مرتبط بالغ بر ۲۲ هزار میلیارد تومان، پیام روشنی از هم‌زمانی تصمیم‌سازی و و اراده بر اجرای برنامه‌های توسعه ای داشت.

از آمار تا میدان؛ الگوی موفق حکمرانی استانی

مرور عملکرد یک‌هفته‌ای استانداری آذربایجان شرقی در فاصله ۱۸ تا ۲۳ بهمن ۱۴۰۴ نشان می‌دهد مدیریت استان، توسعه عمرانی و اقتصادی، امنیت مردم‌پایه و پاسخ به مطالبات انباشته شهرستان‌ها را به‌صورت هم‌زمان دنبال کرده است. مثبت رتبه‌های نخست ملی در سرمایه‌گذاری و جذب اعتبارات و پیشبرد پروژه‌هایی که سال‌ها مطالبه مردم بوده‌اند، تصویری از یک الگوی موفق حکمرانی استانی ارائه می‌دهد. الگویی که آذربایجان شرقی را به یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های کارنامه اجرایی دولت چهاردهم در سطح ملی تبدیل کرده است.

طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر دهه فجر ۱۴۰۴ برای آذربایجان شرقی تنها یک مناسبت تقویمی نبود؛ بلکه صحنه‌ای برای نمایش یک الگوی فشرده حکمرانی بود. استانداری آذربایجان شرقی در فاصله ۱۸ تا ۲۳ بهمن ۱۴۰۴ یکی از مترکم‌ترین هفته‌های مدیریتی خود را تجربه کرد؛ هفته‌ای که هم‌زمان با افتتاح و آغاز عملیات اجرایی پروژه‌های بزرگ عمرانی در دو نشست ویدئوکنفرانسی با رئیس‌جمهور و همچنین با حضور وزیر کشور در تبریز، تثبیت رتبه‌های ملی و پاسخ به مطالبات شهرستان‌ها همراه شد.

رکوردشکنی عمرانی و سرمایه‌گذاری در دهه فجر

در این بازه زمانی، مجموعاً ۱۶۵۳ پروژه با اعتباری بالغ بر ۱۲۸ هزار میلیارد تومان در استان آذربایجان شرقی افتتاح یا عملیات اجرایی آن‌ها آغاز شد؛ رقمی که رتبه نخست کشور را برای استان به همراه داشت. از این تعداد، ۱۰۵ پروژه شهری با ۴ هزار و ۱۰۵ میلیارد تومان و ۶۴۱ پروژه روستایی با ۸۳۵ میلیارد تومان اعتبار، به‌صورت هم‌زمان با سراسر کشور و با دستور ویدئوکنفرانسی رئیس‌جمهور به بهره‌برداری رسید.

هم‌زمان، در شورای برنامه‌ریزی استان، ۲۰ طرح زیربنایی و ۱۱۰ مجوز سرمایه‌گذاری بی‌نام تصویب و تبدیل ناحیه صنعتی آخولا به شهرک صنعتی نهایی شد؛ اقدامی که نشان‌دهنده تمرکز مدیریت استان بر تسهیل سرمایه‌گذاری، کاهش بروکراسی و کوتاه‌کردن مسیر ورود سرمایه به فاز اجراست.

راه، مسکن و حمل‌ونقل؛ پیشران‌های توسعه متوازن

در حوزه راه و شهرسازی، افتتاح ۳۰۰ پروژه با اعتباری بالغ بر ۱۷ هزار میلیارد تومان، تصویری روشن از جهش عمرانی استان ارائه داد. بهره‌برداری از ۸۱۵۸ واحد مسکونی با اعتبار ۱۲ هزار میلیارد تومان، اجرای ۱۰۶ طرح راهداری با ۴ هزار و پانصد میلیارد تومان اعتبار، افتتاح پروژه‌های بزرگراهی و ریلی و تحویل ۴۴۷۶ تن قیر رایگان به پروژه‌های عمرانی، نشان‌دهنده نگاه متوازن به توسعه شهری و روستایی است. در بخش حمل‌ونقل عمومی نیز با حضور وزیر کشور در تبریز، حفاری تونل دوم خط ۳ مترو با اعتباری بالغ بر ۵۰ هزار میلیارد تومان آغاز شد. هم‌زمان ۱۲۰ دستگاه اتوبوس شهری به ناوگان افزوده شد و بر اجرای قرارداد ۱۷۷۰ واگن مترو تأکید شد؛ مجموعه اقداماتی به ارزش

خبر

استاندار آذربایجان شرقی:

مدیریت بحران پیش از توسعه، راهبرد مدیریت استان است



طرح نو؛ گروه خبر استاندار آذربایجان شرقی با تأکید بر اولویت مدیریت بحران، گفت که ابتدا بحران‌ها کنترل شد و سپس برنامه‌های توسعه پیگیری شدند و تحقق این اهداف تنها با کار تیمی ممکن است.

آیین تکریم و معارفه سرپرست اداره کل پدافند غیرعامل آذربایجان شرقی صبح شنبه ۲۵ بهمن با حضور بهرام سرمست، استاندار آذربایجان شرقی برگزار شد. سرمست در این مراسم با اشاره به اهمیت عملکرد مدیران در دوران مسئولیت، گفت: ایام و شرایط می‌گذرند، اما کارنامه و عملکرد ما ماندگار است. باید تلاش کنیم تا کارنامه‌های درخشان و ماندگار از خود به جای بگذاریم.

استاندار آذربایجان شرقی با مرور چالش‌های مدیریتی در سطح وزارت کشور و استان، مدیریت بحران را از اولویت‌های اساسی دولت خواند و افزود: اولویت ما ابتدا بحران‌ها را کنترل و مدیریت کنیم و سپس برنامه‌های توسعه استان را دنبال کنیم و دستیابی به این هدف بدون همکاری و همراهی نزدیک همکاران ممکن نیست.

استاندار آذربایجان شرقی با تأکید بر حرکت از مدیریت سستی به تفکر سیستمی و تیمی، بیان کرد: وزارت کشور، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها اقتضا می‌کنند که تصمیم‌گیری‌ها مبتنی بر تفکر تیمی باشد. کار تیمی به معنای کاهش اصطکاک‌های درون‌سازمانی و افزایش بهره‌وری است و من به

سرمقاله

اظهارات متناقض ترامپ درباره ایران، نشانه‌ای از سردرگمی راهبردی آمریکا



طرح نو؛ سردبیر این روزها دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بار دیگر در کانون توجه رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفته است؛ البته نه به خاطر دستاوردی تازه در عرصه‌ی سیاست خارجی یا داخلی، بلکه به‌دلیل تناقضات آشکار در اظهاراتش درباره ایران. او در طول تنها چند ساعت، سه تا چهار موضع متفاوت اتخاذ کرد؛ از تهدید نظامی گرفته تا دعوت به مذاکره و سپس عقب‌نشینی از هر دو موضع!! این تکرار بی‌ثباتی گفتاری، بار دیگر نشان داد که با ترامپ درک روشنی از سیاست خود در قبال ایران نداشته و از فقدان راهبرد منسجم در برابر یک قدرت منطقه‌ای ریشه‌دار رنج می‌برد، و یا همچنان در حس و حال یک بنگاهدار و املاک‌سیر می‌کند که تلاش دارد تا با یک معامله بزرگ یک شاه ماهی صید کند!!

تناقض در گفتار؛ از تهدید تا عقب‌نشینی

ترامپ در بخشی از سخنان روز جمعه‌ی خود، از «گزینه‌های روی میز» علیه ایران سخن گفته و مدعی شد که آمریکا همواره آمادگی دارد تا به هر گونه اقدام ایران «پاسخ سختی» بدهد. ساعاتی بعد نیز در مصاحبه‌ای دیگر بیان کرد که «آمریکا خواهان جنگ نیست» و همچنان «به دنبال توافق جامع با ایران» است. این تضاد آشکار نه‌تنها جامعه بین‌المللی را سردرگم کرده، بلکه افکار عمومی آمریکا را نیز دوباره به یاد دوران پراشتاب ریاست‌جمهوری‌اش در دوره‌ی اول انداخته است؛ زمانی که سیاست خارجی واشنگتن به میدان بازی شخصی او تبدیل شده بود.

در واقع، اظهارات متناقض ترامپ بیش از آن‌که ناشی از فرصت‌طلبی سیاسی باشد، بازتابی از سردرگمی عمیق واشنگتن در برابر تهران است. از یک سو، ایالات متحده می‌داند که هیچ گزینه نظامی مؤثری علیه ایران ندارد، و از سوی دیگر، نگران از دست دادن وجهه قدرتمندی خود در منطقه است. نتیجه این وضعیت، مجموعه‌ای از

مخاطب داخلی است؛ تلاشی برای پوشاندن ضعف سیاست‌های داخلی و جلب حمایت پایگاه‌های محافظه‌کار در آمریکا. هرگاه فشار رسانه‌ای یا مشکلات اقتصادی گریبان دولت او را گرفته، ایران به‌عنوان «دشمن اصلی» به صدر اخبار بازگشته است. این رویکرد نمایشی‌انه، نه تنها برای تهران جدید نیست، بلکه به مرور زمان اثر روانی خود را نیز از دست داده است.

اشتباه محاسباتی درباره ایران

یکی از بزرگ‌ترین خطاهای تیم ترامپ، درک نادرست از ساختار تصمیم‌گیری و مقاومت ملی در ایران است. آنان گمان می‌برند که با فشار اقتصادی یا تهدید نظامی می‌توان ایران را پای میز مذاکره‌ای آورد که نتیجه‌اش تسلیم یا سازش یک‌جانبه باشد. اما تجربه تاریخی برجام و وقایع پس از خروج یک‌طرفه آمریکا نشان داد که ایران به‌سادگی فریب وعده‌های واشنگتن را نمی‌خورد.

به‌ویژه آن‌که نیروهای مسلح و نهادهای دفاعی ایران در سال‌های اخیر نشان داده‌اند از نظر آمادگی نظامی، دفاع سایبری و فناوری موشکی در بالاترین سطح ممکن قرار دارند. همان‌طور که تحلیلگران منطقه‌ای مطرح کرده‌اند، «چیزی به نام غافل‌گیری کلاسیک در برابر ایران وجود ندارد.» زیرا ساختار دفاعی کشور بر پایه هوش اطلاعاتی، تمرکززدایی میدانی و قدرت واکنش سریع طراحی شده است. عواملی که هرگونه حمله پیش‌دستانه را به فاجعه‌ای برای مهاجم تبدیل می‌کند.

نیروهای ایرانی نه‌تنها درس‌های بزرگی از تجربه‌های منطقه‌ای گرفته‌اند، بلکه توان تلافی در برابر هر گونه تجاوز را دارند؛ به نحوی که حتی کارشناسان آمریکایی اعتراف می‌کنند ایران قادر است منطقه را برای هر نیروی متجاوز به جهنم تبدیل کند. باید مدنظر داشت که ترامپ در دور ابتدایی ریاست

اول ریاست جمهوری‌اش هم وقتی مذاکرات مستقیم یا غیرمستقیم با تهران در دستور کار قرار می‌گرفت، او می‌کوشید با بازی دوگانه‌ی تهدید و دعوت، ایران را وادار به واکنش کند. اما این سیاست، برخلاف انتظار، نتیجه‌ی معکوس داد؛ چرا که طرف ایرانی به‌خوبی می‌دانست آمریکا درگیر بحران‌های داخلی، اقتصادی و سیاسی متعددی است و توان مداوم هیچ جنگی بیش از چند روز را ندارد.

اما ترامپ همچنان با تکیه بر کاراکتر رسانه‌ای و پوپولیستی خود، بیشتر به دنبال جنگ روانی با ایران است تا نبرد واقعی. او بارها از قدرت نظامی آمریکا سخن گفته و از ناوهای هواپیمابر و موشک‌های هوشمند یاد کرده، اما در عمل، هیچ‌گونه اراده سیاسی می‌توان لجستیکی برای عملی کردن تهدیداتش وجود نداشته است. در واقع، تهدیدات ترامپ نوعی «نمایش اقتدار» برای

تهدیدهای توخالی، عقب‌نشینی‌های ناگهانی و مواضع پراکنده بوده است.

ترس از اقدام نظامی؛ درک واقع‌گرایانه از قدرت ایران

اما در پس تهدیدهای پرطمطراق ترامپ، نوعی هراس راهبردی نیز نهفته است. او و مشاورانش به‌خوبی دریافته‌اند که هرگونه درگیری نظامی با ایران نه‌تنها کنترل‌ناپذیر، بلکه فاجعه‌بار برای منافع آمریکا خواهد بود. هیچ‌یک از رهبران نظامی ایالات متحده نمی‌توانند تضمین دهند که یک «ضربه محدود» یا «اقدام مقطعی» در چارچوب مرزهای ایران باقی بماند. حمله به ایران به‌معنای شعله‌ور شدن آتش در سراسر منطقه است؛ از تگه هرمز تا دریای مدیترانه و از یمن تا لبنان و شاید تا قلب اروپا!

ترامپ خود بر این واقعیت واقف است که در دور



خبر

معاون استاندار آذربایجان شرقی:

سرمایه اجتماعی معیاری برای سنجش کارآمدی هر نظام است

طرح‌نو؛ گروه خبر
معاون سیاسی اجتماعی استاندار آذربایجان شرقی، سرمایه اجتماعی را به عنوان سنجشی برای کارآمدی هر نظام حکمرانی عنوان کرد و گفت: این اصل مهم‌ترین شاخص تصمیم‌گیری در هر نظام سیاست‌گذاری است. نشست خانه احزاب استان آذربایجان شرقی با حضور مرتضی محمدزاده، معاون سیاسی و اجتماعی استاندار آذربایجان شرقی روز جمعه ۲۴ بهمن درخصوص بررسی مسائل روز و آسیب‌شناسی وقایع اخیر برگزار شد. مرتضی محمدزاده در این نشست با اشاره به اهمیت لزوم گفت‌وگو با جامعه اظهار کرد: حاکمیت و شما به عنوان جامعه مدنی نباید اجازه بسته شدن پنجره گفت‌وگوهای جامع و حتی انتقادی با اقشار و گروه‌های مختلف جامعه را بدهید.

وی در این خصوص افزود: این گفت‌وگو است که باعث اصلاح ایرادات و کارآمدی نظام حکمرانی شود چرا که در بستر آن می‌تواند اشکالات و ایرادات خود را بشناسد و در جهت رفع آن اقدام کند.

وی با اشاره به اصلاحات اقتصادی دولت عنوان کرد: تمام متخصصان اقتصادی بر ضرورت اجرای این طرح تاکید داشتند هرچند هر جراحی دوران التهاب خود را دارد و در این حوزه نیز بعد از گذار از دوران التهاب و شوک قیمتی، با خود تنظیم گری بازار قیمت‌ها به یک ثبات نسبی خواهند رسید.

معاون سیاسی و اجتماعی با اشاره بر ضرورت تبیین این طرح برای جامعه اظهار داشت: با شفاف سازی در خصوص موقتی بودن دوران التهاب و همچنین آثار اقتصادی این طرح چه در بعد حذف رانت و فساد و چه از نظر ثبات و تعادل قیمتی میتوان ابهامات نگرانی‌های عموم مردم را رفع کرد. وی در پایان با اشاره بر انتخابات پیش رو خاطر نشان کرد: مشارکت در انتخابات تابع یکسری از پارامترهای سیاسی و اجتماعی است که انتخابات رقابتی با حضور جریان‌های فکری مختلف یکی از مهم‌ترین مولفه‌ها است. وی همچنین امید و نشاط سیاسی را از دیگر الزامات رقابتی شدن انتخابات عنوان کرد و تحقق آنرا منوط بر رفع مسائل و مشکلات جاری جامعه دانست. در این نشست که نمایندگان احزاب از جریان‌های مختلف فکری استان حضور یافته بودند، با طرح پیشنهاداتی به بیان دیدگاه خود در مسائل جاری پرداختند. به نقل از روابط عمومی استانداری آذربایجان شرقی، تاکید بر ایجاد فضای مسالمت‌آمیز نقد و اعتراض گروه‌ها و اقشار مختلف مردم، اصلاح شیوه‌های حکمرانی، تقویت احزاب و جامعه مدنی در جهت نمایندگی اقشار مختلف مردم، رفع نیازهای اقتصادی جوانان، ایجاد زبان و فکر مشترک با نسل جوان، ایجاد فضای همبستگی و انسجام با رفع زمینه‌های اعتراض مردم در اقتصاد و فرهنگ، از جمله محورهای مطرح شده در این نشست بود.

در میان قالب‌های رسانه‌ای، گزارش از ظرفیت ویژه‌ای برای پرداختن به موضوعات فرهنگی برخوردار است. گزارش، امکان تلفیق مشاهده میدانی، گفت‌وگو با دانشجویان و تحلیل اجتماعی را فراهم می‌کند. از این رو، انتخاب گزارش به‌عنوان یکی از قالب‌های اصلی جشنواره، انتخابی معنادار است. گزارش دانشجویی می‌تواند روایت‌گر تجربه زیسته دانشگاه باشد؛ تجربه‌ای که در آن، فرهنگ رضوی نه در اسناد، بلکه در نگاه و کنش دانشجویان سنجیده می‌شود.

جشنواره؛ فرصت بازاندیشی نقش دانشگاه

جشنواره امام رضا(ع) را می‌توان آزمون برای سنجش نسبت دانشگاه و فرهنگ رضوی دانست. این آزمون، نه‌تنها متوجه دانشجویان و نشریات، بلکه متوجه سیاست‌گذاران فرهنگی نیز هست. اینکه تا چه اندازه به دانشگاه به‌عنوان شریک فرهنگی اعتماد می‌شود و تا چه حد امکان نقد، تحلیل و گفت‌وگو فراهم است.

اگر این جشنواره بتواند فضایی برای بیان صریح و مسئولانه دیدگاه‌های دانشجویی ایجاد کند، می‌تواند به الگویی موفق در پیوند میان فرهنگ دینی و نهاد دانشگاه تبدیل شود.

بیست‌ودومین جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) در بخش دانشجویی؛ رسانه و نشریات، فرصتی برای بازتعریف نسبت دانشگاه با فرهنگ رضوی است. این جشنواره می‌تواند نشان دهد که فرهنگ رضوی، تنها یک عنوان مناسبتی نیست، بلکه ظرفیتی برای گفت‌وگو، نقد و تولید اندیشه در فضای دانشگاه دارد.

موقعیت این رویداد زمانی محقق می‌شود که دانشگاه از جایگاه مخاطب صرف خارج شود و به کنشگری فعال در عرصه فرهنگ رضوی بدل گردد؛ کنشگری‌ای که نشریات دانشجویی می‌توانند پیشگام آن باشند.

جشنواره امام رضا(ع)؛ آزمون برای نسبت دانشگاه و فرهنگ رضوی



معنا پیدا کند و از حالت انتزاعی خارج شود.

پیوند جشنواره با سند چشم‌انداز ۲۰ ساله

یکی از بخش‌های قابل توجه این دوره جشنواره، تمرکز بر «نقد و بررسی تحقق ابعاد فرهنگ در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله» است. این انتخاب، نشان‌دهنده رویکردی فراتر از نگاه صرفاً آیینی به فرهنگ است. سند چشم‌انداز، فرهنگ را یکی از پایه‌های پیشرفت کشور می‌داند، اما پرسش اساسی این است که این اهداف تا چه اندازه در دانشگاه‌ها محقق شده‌اند.

دانشگاه و نشریات دانشجویی، می‌توانند با نگاهی انتقادی و مستند، به بررسی این موضوع بپردازند که فرهنگ دینی و رضوی چه جایگاهی در تحقق اهداف فرهنگی سند چشم‌انداز داشته است و چه فاصله‌ای میان آرمان‌ها و واقعیت‌ها وجود دارد.

گزارش‌نویسی؛ قالبی برای روایت و تحلیل

درد که به مسئله‌های زنده در فضای دانشگاه تبدیل شود. جشنواره امام رضا(ع) می‌تواند این امکان را فراهم کند که نشریات دانشجویی، فرهنگ رضوی را نه به‌عنوان یک موضوع کلیشه‌ای، بلکه به‌مثابه الگویی برای زیست فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار دهند.

نشریات دانشجویی؛ آینه نگاه نسل جوان

نشریات دانشجویی همواره یکی از صریح‌ترین و در عین حال مستقل‌ترین رسانه‌های دانشگاه بوده‌اند. این نشریات، به دلیل ارتباط مستقیم با بدنه دانشجویی، می‌توانند فاصله میان سیاست‌های فرهنگی رسمی و واقعیت‌های زیست دانشجویان را آشکار کنند.

پرداختن به جشنواره امام رضا(ع) در قالب گزارش، یادداشت یا تحلیل، فرصتی است برای آنکه نشریات دانشجویی نشان دهند فرهنگ رضوی چگونه می‌تواند در زندگی امروز دانشجو

طرح‌نو؛ گروه خبر
زهرا ژرفی مهر: دانشگاه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی کشور، همواره در معرض این پرسش بوده است که نسبت آن با فرهنگ دینی و به‌ویژه فرهنگ رضوی چگونه تعریف می‌شود. برگزاری «بیست‌ودومین جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع)» در بخش دانشجویی؛ رسانه و نشریات، بار دیگر این پرسش را به متن فضای دانشگاه بازگردانده است؛ اینکه آیا دانشگاه صرفاً مصرف‌کننده مناسبت‌های فرهنگی است یا می‌تواند به تولیدکننده اندیشه و روایت در حوزه فرهنگ رضوی تبدیل شود.

جشنواره‌های با تمرکز بر دانشگاه

جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) طی سال‌های برگزاری خود تلاش کرده است سیره و معارف امام هشتم شیعیان را در قالب‌های متنوع فرهنگی، هنری و رسانه‌ای بازتاب دهد. در این میان، بخش دانشجویی؛ رسانه و نشریات، جایگاهی ویژه دارد؛ چراکه دانشگاه محل تلاقی اندیشه، نقد و تجربه زیسته نسل جوان است. فراخوان این دوره جشنواره، با امکان حضور نشریات دانشجویی منتشرشده در بازه‌های چندساله و همچنین تاکید بر تولید آثار مستقل، نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران جشنواره به دنبال مشارکت فعال دانشجویان و نه صرفاً حضور نمادین آنان هستند.

فرهنگ رضوی؛ از شعار تا مسئله اجتماعی

یکی از چالش‌های فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها، باقی ماندن مفاهیم دینی در سطح شعار و مناسبت است. فرهنگ رضوی، اگر تنها به برگزاری آیین‌ها و تولید محتوای تکراری محدود شود، نمی‌تواند پاسخ‌گوی مسائل پیچیده نسل دانشجو باشد. در مقابل، نگاهی تحلیلی به سیره امام رضا(ع) از گفت‌وگو و مناظره تا مقلانیت، اخلاق اجتماعی و مواجهه با قدرت ظرفیت آن را

گزارش

طرح نو با تاکید بر منابع تاریخی، وضعیت آذربایجان در دوره ساسانی را بررسی می‌کند:

جایگاه تاریخی آذربایجان در ایجاد وحدت و انسجام ملی



همواره در معرض خطر حمله بودند و نیاز به مدیریتی کاردار داشتند.

پناهگاه شاهان در روزهای بحران

اما آذربایجان در زمان ساسانیان، تنها یک ایالت نظامی نبود، بلکه پناهگاه شاهان ایران در روزهای سخت نیز به‌شمار می‌رفت. چنان‌که مسعودی در مروج‌الذهب و تاریخ یعقوبی آورده‌اند، خسرو پرویز، پسر هرمز چهارم، هنگامی که بر اثر اختلاف با پدرش جان خود را در خطر دید، به آذربایجان گریخت و در آنجا از حمایت مردم و سپاهیان برخوردار شد. سپس با پشتیبانی نیروهای آذربایجان، پدرش را خلع و خود به سلطنت رسید(۳). بزرگان آذربایگان نیز در همان ایام با او بیعت کردند و پس از تثبیت سلطنتش، خسرو با کمک سپاهیان همین منطقه توانست بهرام چوبین؛ شورشی و استاندار پیشین آذربایجان، را شکست دهد(۴). این رویداد تاریخی به‌روشنی جایگاه وفادارانه‌ی مردم آذربایجان را در حفظ تاج و تخت ایران نشان می‌دهد.

آتشکدهی آذرگشنسب و جایگاه معنوی آذربایجان

جنبه‌ی فرهنگی و معنوی آذربایجان در دوره ساسانی نیز کم‌اهمیت‌تر از جنبه‌ی نظامی آن نبود. در این منطقه

مرزهای غربی وارد ایران شد. یزدگرد از مهران، مرزبان آذربایجان و داماد خود درخواست کمک کرد. مهران با هشتاد هزار سپاهی و چندین قیل جنگی به مقابله با سپاه اعراب شتافت، اما در نبرد کشته شد(۶)(۷)(۸). پس از مرگ مهران، فرمانداری آذربایجان به رستم فرخزاد، سردار نامدار آذربایجانی‌الاصل سپرده شد. رستم چهار ماه فرماندهی کل سپاه ایران بود و با شجاعت در نبرد قادسیه جنگید، اما سرانجام در مصاف نابرابر کشته شد(۹).

چند سال پس از این رویداد، در جنگ نهاوند، واپسین نبرد ایرانیان با اعراب، آذربایجان بار دیگر نقش برجسته‌ای داشت. بنابر گزارش بلاذری در فتوح‌البلدان، این منطقه سی‌هزار رزمنده به میدان فرستاد و در کنار سپاهیان خراسان، همدان، ری و اصفهان با اعراب جنگید(۱۰). این وفاداری تا پایان عمر دولت ساسانی ادامه داشت و نمادی از روح میهن‌دوستی مردم آذربایجان بود.

تأسیس شهرها و دژهای دفاعی در نواحی مرزی

از جلوه‌های دیگر اهمیت آذربایجان در دوره ساسانی، اقدامات گسترده‌ی عمرانی و نظامی برای حفظ مرزهای شمالی ایران بود. مورخان اسلامی و ساسانی گزارش داده‌اند که شاهانی مانند قباد بن فیروز و انوشیروان پسر او، در راستای جلوگیری از هجوم خزران، به ساخت دژها، دیوارها و شهرهای جدید در نواحی اران (آذربایجان شمالی و جمهوری آذربایجان فعلی) پرداختند. بلاذری در فتوح‌البلدان و یعقوبی در تاریخ خود از شهرهایی یاد می‌کنند که در این دوران تأسیس شدند: بردع (برده‌دان)، بیلقان، سغدبیل، شیروان (منسوب به انوشیروان)، شابران، طبرسران و لیسران. ساسانیان برای افزایش ثبات و پایداری جمعیتی، گروه‌هایی از ایرانیان دیلم و سُغد را در این مناطق اسکان دادند(۱۱). این سیاست باعث شد مرزهای ایران از نظر نظامی و انسانی تقویت شود و قفقاز به بخش پویایی از قلمرو ساسانی تبدیل گردد.

نقش فرهنگی و ملی آذربایجان در ایران

در تفکر ساسانی، سرزمین ایران مفهومی فراسوی مرزهای سیاسی داشت. و «ایران» تعبیری بود از یک واحد فرهنگی، دینی و تمدنی؛ و آذربایجان با در اختیار داشتن آتشکدهی آذرگشنسب، پشتیبانی از نظام سیاسی و

تربیت سرداران بزرگ، بخشی جدایی‌ناپذیر از این ایران بود.

از دید مورخان بعدی، پیوند عمیق آذربایجان با ایران تنها به جغرافیا محدود نمی‌شود؛ بلکه پایه‌ی تداوم تاریخی ایران تا عصر اسلامی است. پس از فروپاشی ساسانیان نیز، بسیاری از خاندان‌های ایرانی، از جمله فرزندان رستم فرخزاد و فرمانروایان محلی آذربایجان وارث سنت‌های اداری و فرهنگی ساسانی شدند و نقش مهمی در استمرار هویت ایرانی ایفا کردند.

در پایان باید گفت که به استناد منابع کهن و پژوهش‌های نوین، آذربایجان در دوران ساسانیان قلب تپنده‌ی شمال ایران به‌شمار می‌رفت. این ناحیه در طول بیش از چهار قرن، هم پایگاه نظامی و سیاسی دولت مرکزی بود، هم پناهگاه شاهان ساسانی در بحران‌ها، هم مرکز معنوی زرتشتیان، و هم سپر دفاعی در برابر دشمنان شمالی. از اردشیر بابکان که مرزهای شمال‌غربی را بازسازی کرد تا خسرو پرویز که با نیروهای آذربایجانی دوباره به تخت نشست، از آذرگشنسب که نماد دین و دولت بود تا رستم فرخزاد که در میدان قادسیه جان فدا کرد، همه گواه پیوند ناگسستنی آذربایجان با ایران‌اند. این منطقه نه‌تنها در گذشته، بلکه در همه‌ی ادوار تاریخ، سهمی انکارناپذیر در پایداری و تداوم ملت ایران داشته است.

منابع و پی‌نوشت‌ها:

- ۱- کرستین سن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۸۳
- ۲- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب. تاریخ یعقوبی، ج ۱، صص ۹۶-۱۰۸ و اخبار‌الطوال دینوری، ص ۱۱۲.
- ۳- مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر، مسعودی، ج ۱، ص ۲۶۶.
- ۴- همان، ص ۲۰۷.
- ۵- مروج‌الذهب، مسعودی، ج ۱، ص ۶۷۹.
- ۶- ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ص ۹۶.
- ۷- همان، ص ۱۰۶.
- ۸- یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۲۵.
- ۹- مسعودی، التنبیه و الاشراف، ص ۸۲.
- ۱۰- بلاذری، فتوح‌البلدان، ص ۲۸۰ و یعقوبی، تاریخ، ج ۱، صص ۱-۲۲.
- ۱۱- بلاذری، فتوح‌البلدان، ص ۹۶.

شعر

کی رفته ای ز دل
که تمنا کنم تو را



کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را
کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را
غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور
پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را
با صد هزار جلوه برون آمدی که من
با صد هزار دیده تماشا کنم تو را
چشمم به صد مجاهده آیین‌ساز شد
تا من به یک مشاهده شیدا کنم تو را
بالای خود در آینه چشم من بین
تا با خبر ز عالم بالا کنم تو را
مستانه کاش در حرم و دیر بگذری
تا قبله‌گاه مؤمن و ترسا کنم تو را
خواهم شبی نقاب ز رویت برفکنم
خورشید کعبه، ماه کلیسا کنم تو را
گر افتد آن دو زلف چلیپا به چنگ من
چندین هزار سلسله در پا کنم تو را
طوبی و سدره گر به قیامت به من دهند
یکجا فدای قامت رعنا کنم تو را
زیبا شود به کارگه عشق کار من
هر گه نظر به صورت زیبا کنم تو را
رسوای عالمی شدم از شور عاشقی
ترسم خدا نخواسته رسوا کنم تو را
با خیل غمزه گر به وثاقم گذر کنی
میر سپاه شاه صفاراً کنم تو را
چم دستگاه ناصر دین شاه تاجور
کز خدمتش سکندر و دارا کنم تو را
شعرت ز نام شاه، فروغی شرف گرفت
زبید که تاج تارک شعرا کنم تو را
«فروغی بسطامی»

وداع صمیمانه با شعبان، و طنین استقبال از رمضان؛
ماه ضیافت الهی



نغمه‌ای مداوم جاری باشد تا زنگار روح شسته شود. روزه‌های تمرینی: روزه‌های مستحبی، همچون نورمشی برای جان است تا روح، گرم استقبال از رمضان گردد. بخشیدن و یاری: نگاه کردن به نیازمندان؛ صدقه، بخشیدن خود مهربانی است. انس با قرآن: حتی خواندن چند آیه، اما با تأمل. قرآن نسیمی است که هر واژه‌اش، درختی از آرامش

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب - رقیه جمالی
زمین در آستانه‌ی بهار، در انتظار یک تحول است. درختان، دست به آسمان سپرده‌اند؛ چشم به نوری که از پس ابرهای خاکستری بتابد. این خستگی خاک، نویدبخش رویش و رستاخیز است. در این میان، ماه شعبان، که در واپسین روزهای عمرش نشسته است، توصیه‌هایی عمیق را در گوش جان نجوا می‌کند: باید دل را تکاند و از غبار غفلت شست؛ چرا که بهار ایمان در راه است. شعبان، فصلی است: میان سکوت زمستان و شکوه ضیافت رمضان. هر نسیمش بوی استغفار دارد و هر سحرش، ندای بندگی. اکنون که واپسین لحظات این ماه عزیز سپری می‌شود، سزاوار است روح به آسمان رحمت سپرده شود؛ همان‌طور که خاک برای جوانه زدن، از خواب برمی‌خیزد.

آیین آمادگی
خلوت و مرور: فرصتی برای نشستن و خود را سنجیدن؛ آنچه انجام شد و آنچه باید می‌شد. این محاسبه‌ی درون، مانند آب شدن برف انجماد است و زمین دل را برای رویش جدید آماده می‌سازد. جاری ساختن استغفار: ذکر آموزش باید چون

می‌رویانند.
و آنگاه، رمضان فرا می‌رسد؛ بهاری از نور و معنا، ضیافتی پرشکوه که میزبانش خدای مهربان است. در آغوش آن ضیافت، جان از خستگی می‌شوید و صفای حضور را بازمی‌یابد.

رسم حضور
نیت صادق: دل را باید به قصد بندگی خالصانه

و این قصه نیست واقعت تلخ زمان پهلوی و نبود آب لوله کشی در شهرهاست که در مناطق مختلف برای استفاده مردم از آب بین ۱۰ تا ۱۵ کوچه «شیر برداشت» درست کرده و بشکه ای وسط آن گذاشته و داخل آن را سیمان ریخته بودند و از دل همان بشکه چند شیر آب خارج شده بود. همین چند شیر آب که بین چهار تا شش تا بیشتر نمی شد برای استفاده انبوه مردمی بود که باید ساعت ها نوبت می ایستادند تا ظرف و رخت هایشان را بشویند و ظرفی آب برای استفاده در منزل ببرند. اما حکایت به اینجا ختم نمی شد و قصه دعوا و تکت کاری هر از گاهی بین مردم برای استفاده و

آب آبروی پهلوی را برد

تذکر استفاده درست و منصفانه از آب دیده می شد و شکستن سر زن بیچاره و جان باختن او هم یکی از این حکایات هاست و حال عده ای مدعی رفاه دوره پهلوی، وجود امکانات در آن زمان و اصلا ایجاد امکانات و زیرساخت های مربوط به آن دوره هستند. در حالی که در اسناد مختلف آمده است که جز معدودی از مناطق مرکزی شهر، دیگر مناطق از آب لوله کشی برخوردار نبوده و مردم ناگزیر به استفاده از این نوع «شیر برداشت» و یا در بسیاری از مواقع استفاده از آب های زیر زمینی مانند چاه و غیر بهداشتی هم بودند.

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب - رقیه غلامی
همین چند شیر آب که بین چهار تا شش تا بیشتر نمی شد برای استفاده انبوه مردمی بود که باید ساعت ها نوبت می ایستادند تا ظرف و رخت هایشان را بشویند و ظرفی آب برای استفاده در منزل ببرند. اما حکایت به اینجا ختم نمی شد و قصه دعوا و تکت کاری هر از گاهی بین مردم برای استفاده و

هنر خوشحالی و بازیگوشی

که اخمو بود، تلاش دارد به کودکان و نوجوانان پیامدزد. در این داستان یک شتر بد اخلاق به کمک دوست خود که یک موش خندان و بازیگوش است، یاد می‌گیرد که در موقعیت‌های بحرانی، رفتار درستی داشته باشد. در این کتاب احساساتی را که شتر تجربه می‌کند می‌خوانیم و به حرف‌هایی که او با خودش می‌زند گوش می‌دهیم. احساساتی که ممکن است خیلی از بچه‌ها در شرایط مختلف با آن درگیر شده باشند؛ اینکه او گمان می‌کند نمی‌تواند خوشحال باشد، چگونه باید اخلاق خود را حفظ کند و احساساتی که به او اجازه نمی‌دهند مثل موش، از مسیر اتفاقات زندگی خود لذت ببرد. اینگونه هم نیست که گمان کنیم کودکان به دلیل

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
در «شتری که اخمو بود» احساساتی را که شتر تجربه می‌کند می‌خوانیم و به حرف‌هایی که او با خودش می‌زند گوش می‌دهیم. احساساتی که ممکن است خیلی از بچه‌ها در شرایط مختلف با آن درگیر شده باشند؛ اینکه او گمان می‌کند نمی‌تواند خوشحال باشد، چگونه باید اخلاق خود را حفظ کند و احساساتی که به او اجازه نمی‌دهند مثل موش، از مسیر اتفاقات زندگی خود لذت

انتشار کتابی درباره تاریخ و جایگاه دبیرستان فردوسی تبریز

کرد تا اینکه در اواخر دهه ۱۳۱۰ شمسی به مکان فعلی خود در خیابان امام خمینی(ره) منتقل شد. نام این مرکز آموزشی نیز در سال ۱۳۱۳ شمسی و همزمان با برگزاری جشن هزاره فردوسی، به «دبیرستان فردوسی» تغییر یافت و کتیبه‌ای بر مرمرین منقوش به تندیس حکیم ابوالقاسم فردوسی در دیوار کناری آن نصب شد. هرچند دبیرستان فردوسی از نظر قدمت پس از دبیرستان البرز تا سال ۱۳۱۹ شمسی تحت مدیریت آمریکایی‌ها قرار داشت. همین ویژگی باعث شده است که دبیرستان فردوسی تبریز در حافظه تاریخی شهر، از آن با عنوان «نخستین دانشگاه تبریز» نیز یاد شود. این دبیرستان در دهه‌های نخست فعالیت خود، جایگاهی کم‌نظیر در آموزش متوسطه کشور داشت و در قبولی دانش‌آموزان در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، هم‌تراز با دبیرستان البرز تهران ارزیابی می‌شد. بسیاری از معلمان و فارغ‌التحصیلان این مدرسه، پس از تأسیس دانشگاه تهران، بلافاصله به‌عنوان استاد دانشگاه جذب شدند. در نخستین دوره فارغ‌التحصیلی این دبیرستان در سال ۱۲۹۹ شمسی، تنها هفت دانش‌آموز موفق به اخذ دیپلم شدند، اما هر یک از آنان بعدها به چهره‌هایی ماندگار در فرهنگ و ادب ایران تبدیل شدند؛ از جمله استاد محمدحسین شهبیار، یحیی آریان‌پور، غلامعلی

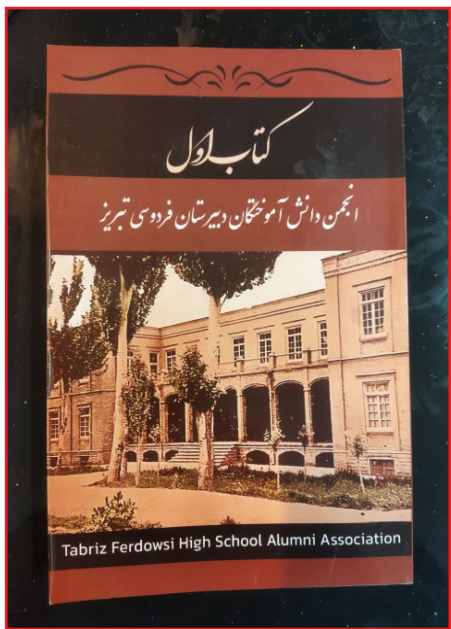
از یک قرن فعالیت، منشأ تربیت هزاران دانش‌آموز و پرورش چهره‌های برجسته علمی، فرهنگی، ادبی، مدیریتی و اجتماعی کشور بوده است. در بخش‌های دیگر کتاب، به معرفی شماری از مدیران، معلمان برجسته و فارغ‌التحصیلان شاخص دبیرستان فردوسی تبریز پرداخته شده است؛ افرادی که هر یک در سطوح ملی و منطقه‌ای نقش‌آفرینی کرده و سهم قابل توجهی در توسعه علمی و فرهنگی ایران داشته‌اند. انتشار این کتاب را می‌توان گامی مؤثر در جهت صیانت از میراث آموزشی تبریز، ثبت تاریخ آموزش نوین ایران و انتقال تجربه‌های ارزشمند یک قرن فعالیت علمی به نسل امروز دانست؛ اقدامی که با استقبال پژوهشگران حوزه تاریخ آموزش و علاقه‌مندان به هویت فرهنگی آذربایجان همراه خواهد بود. دبیرستان فردوسی تبریز در سال ۱۲۹۵ هجری شمسی به همت مرحوم عباس لقمان ادهم معروف به اعلم‌الملک، رئیس وقت معارف ایالت آذربایجان، بنیان گذاشته شد. آغاز به کار این مدرسه با میلاد باسعادت پیامبر اکرم(ص) و ورود محمدحسین میرزا، ولیعهد احمدشاه، به تبریز همزمان شد و به همین مناسبت، نام «مدرسه مبارکه متوسطه محمدیه» برای آن انتخاب شد. نخستین محل استقرار این مدرسه در محله تاریخی سرخاب تبریز بود؛ سپس به محله ششگلان انتقال یافت و در ادامه مدتی در عمارت تاریخی حرم‌خانه فعالیت

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
کتابی پژوهشی با محوریت تاریخچه و نقش دبیرستان فردوسی تبریز، به‌عنوان نخستین دبیرستان بنیان‌گذاری شده ایران به دست ایرانیان، به تازگی از سوی انتشارات اعظم تبریز منتشر و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. این کتاب در ۲۱۸ صفحه، قطع وزیری و با شمارگان یک‌هزار نسخه به قلم حمیدرضا مظفری به همت کمیسیون فرهنگی انجمن دانش‌آموختگان دبیرستان فردوسی تبریز به چاپ رسیده است. ویراستاری این اثر را محمد چاپچی رقیمی، کاظم درگاهی و محمدعلی نجاری کهنمویی بر عهده داشته‌اند. نویسنده در این اثر کوشیده است با تکیه بر اسناد تاریخی، خاطرات و منابع مکتوب، تصویری جامع از روند شکل‌گیری و تأثیرگذاری دبیرستان فردوسی تبریز در تاریخ آموزش نوین کشور ارائه دهد. در بخشی از کتاب، پنج مدیر نخست این دبیرستان معرفی شده‌اند؛ مدیرانی که در سال‌های ابتدایی فعالیت این مرکز آموزشی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت آموزش متوسطه به شیوه نوین در ایران ایفا کردند. دبیرستان فردوسی تبریز در سال ۱۲۹۵ هجری شمسی به همت زنده‌یاد دکتر عباس لقمان ادهم، رئیس وقت معارف و صحیح ایالت آذربایجان، تأسیس شد و به‌واسطه جایگاه علمی و گستره فعالیت‌های آموزشی خود، در حافظه تاریخی تبریز از آن به‌عنوان «نخستین دانشگاه تبریز» یاد می‌شود. این مرکز آموزشی طی بیش



آب لوله کشی برخوردار هستند که آب به بسیاری از روستاهای صعب‌العبور هم رسیده و دیگر کسی دل به آب جاری چشمه نمی‌دهد و در همان خانه خود هر وقت که بخواهد شیر را باز و از آن استفاده می‌کند و این جاست که باید گفت آب، آبروی پهلوی را برده است.

کودکی، مشغله و دغدغه فکری ندارند چراکه هرکس به تناسب ظرفیت خود با مسائلی روبه‌رو می‌شود که درست رفتار کردن در خلال آن‌ها خیلی مهم است. مخصوصاً شرایط امروز زندگی که ناخودآگاه کودکان را هم درگیر برخی استرس‌های ناخواسته می‌کند. کتاب «شتری که اخمو بود» با توجه به همین نکته نوشته شده است. این کتاب تصویرسازی‌های مناسبی دارد و فونت متناسب با هیجان‌ات داستان در آن به‌خوبی رعایت شده است. «شتری که اخمو بود» را ریچل برایت نوشته و جیم فیلد تصویرهایش را کشیده است. سارا عاشوری نیز آن را به زبان فارسی برگردانده و انتشارات مه‌ساز آن را با بهای ۱۱۰ هزار تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار داده است.



پرورش شخصیت‌های تاریخ‌ساز ایران دانست. گفتنی است؛ کتاب حاضر، دفتر اول از مجموعه کتاب های انجمن دانش آموزان دبیرستان فردوسی درباره بنیانگذاران، مدیران، معلمان و برخاستگان از این مرکز آموزشی است؛ پیش از این نیز به مناسبت برگزاری جشن یکصدمین سالگرد تأسیس این مرکز آموزشی نیز کتابی با عنوان دبیرستان فردوسی تبریز در تاریخ و فرهنگ ایران توسط انتشارات ستوده تبریز به قلم آقایان محمد عزیزی راد، نصرت‌الله نجفی، رحیم نیکبخت، حسین پورنجفعلی، علی‌اکبر رحمانپور، علی رزاقی و خیام عزیزاده‌ا قدم با شمارگان ۲ هزار نسخه و در ۳۴۴ صفحه منتشر شده است. / ایرنا

گزارش

وقتی تیرها میدان نبرد می شوند

نگاهی به جنگ روایت‌ها، استانداردهای دوگانه و مسئولیت مخاطب در عصر جنگ شناختی

طرح نو؛ جمشید پور اسمعیل نیازی

در فضای پرتشن میان «رژیم تروریستی صهیونی» و «ایران» نخستین جرقه نه در میدان، بلکه در تیرها زده می‌شود. مستولان رژیم تروریستی فهرستی منتشر می‌کنند؛ فهرستی که در آن نام برخی مقامات کشورمان به عنوان اهداف ترور آمده است. رسانه‌ها آن را با لحنی حرفه‌ای و حتی هیجان‌زده بازنشر می‌کنند: «انتشار فهرست اهداف در ایران!». واژه‌ی «اهداف» در اینجا، خشونت را در قالبی استراتژیک و فنی می‌پوشاند؛ گویی سخن از برنامه‌ریزی نظامی مشروع است، نه تهدید به حذف فیزیکی افراد. مخاطب، ناخودآگاه، این کنش را در چارچوب «افتداره» پاسخ قاطع» یا «اقدام پیش‌دستانه» می‌فهمد.

چند روز بعد، کشور ایران در واکنشی مشابه، فهرستی از مقامات رژیم تروریستی منتشر می‌کند و اعلام می‌کند: «این هم فهرست ما». اما این بار همان رسانه‌ها، با تغییر ناگهانی لحن، تیر می‌زنند: «تهدید مقامات رژیم تروریستی از سوی ایران». واژه عوض می‌شود؛ و با آن، معنای اخلاقی ماجرا نیز. آنچه پیش‌تر «هدف» بود، اکنون «تهدید» می‌شود. همان‌کُش، همان ساختار، همان محتوا؛ اما در دو قالب متفاوت.

این تفاوت ظاهراً کوچک، در واقع نقطه‌ی اصلی ماجراست. زیرا در جهان رسانه، معنا پیش از واقعیت شکل می‌گیرد. آنچه مخاطب در نخستین مواجهه می‌بیند، نه متن کامل خبر، بلکه تیر است؛ نه جزئیات، بلکه واژه‌ی کلیدی. تیر، همان قاب اولیه‌ای است که ذهن را تنظیم می‌کند. اگر این قاب، کنشی را «هدف‌گذاری» بنامد، ذهن آن را در منظومه‌ای از مفاهیم استراتژیک قرار می‌دهد. اما همان‌گُش «تهدید» نامیده شود، بلافاصله در حوزه‌ی جرم، بی‌ثباتی و خطر طبقه‌بندی می‌شود. در هر دو حالت، مخاطب هنوز وارد تحلیل نشده است؛ اما قضاوت اولیه در ذهن او شکل گرفته است.

در این فرآیند، رسانه صرفاً خبر را گزارش نمی‌کند، بلکه موقعیت اخلاقی بازیگران را تعیین می‌کند. با انتخاب یک واژه، یک طرف در جایگاه کُشگر مقننار و منطقی می‌ایستد و طرف دیگر در جایگاه بازیگری تهدیدآمیز و غیرمستول. این جابه‌جایی جایگاه، نه از طریق تغییر واقعیت، بلکه از طریق تغییر زبان انجام می‌شود. زبان، در اینجا ابزار قدرت است.

نکته مهم آن است که کُش هر دو طرف، از نظر ساختاری یکسان است؛ انتشار فهرستی از مقامات طرف مقابل با لحنی هشدارآمیز. اما واکنش رسانه‌ای یکسان نیست. همین نابرابری در بازنمایی، نشان می‌دهد که مسئله تنها «خبر» نیست، بلکه «روایت» است. روایت‌ها تعیین می‌کنند چه چیز عادی است و چه چیزی انحراف؛ چه کسی حق دارد و چه کسی مجرم است.

افزون بر این، تغییر واژه‌ها می‌تواند سطح حساسیت افکار عمومی را نیز تغییر دهد. وقتی عملی با واژه‌ای خنثی توصیف می‌شود، احتمال واکنش هیجانی کاهش می‌یابد. اما وقتی همان عمل با واژه‌ای امنیتی و تهدیدآمیز بیان می‌شود، احساس خطر افزایش می‌یابد. این یعنی مدیریت حساسات از طریق زبان. در چنین شرایطی، افکار عمومی نه صرفاً بر اساس اطلاعات، بلکه بر اساس احساسی که واژه‌ها منتقل می‌کنند، شکل می‌گیرد.

از سوی دیگر، این نوع بازنمایی دوگانه می‌تواند به مرور زمان نوعی عادت ذهنی ایجاد کند. مخاطب می‌آموزد که اقدامات یک طرف را «قاب قاطع» ببلاند و اقدامات دیگر را «محکوم». این عادت ذهنی، حتی پیش از انتشار هر خبر جدیدی فعال می‌شود. به بیان دیگر، چارچوب از پیش ساخته شده است و هر رخداد تازه در همان چارچوب تفسیر می‌شود.

بنابراین، آنچه در نگاه نخست تفاوتی جزئی در انتخاب واژه‌ها به نظر می‌رسد، در واقع مکانیزمی عمیق برای شکل‌دهی به ادراک عمومی است. تغییر یک کلمه، می‌تواند جهت قضاوت را تغییر دهد؛ می‌تواند فضای سیاسی را ملتهب یا آرام کند؛ می‌تواند یک اقدام را مشروع جلوه دهد و همان اقدام را در سوی دیگر غیرقابل قبول معرفی کند.

در نهایت، با پدیدهای دوپیکر که در آن میان اصلی نبرد، ذهن مخاطب است. واقعیت ممکن است یکسان باشد، اما روایت‌ها متفاوت‌اند. و در عصر رسانه، اغلب این روایت است که بر واقعیت غلبه می‌کند.

واژه‌ها چگونه خشونت را تغییر معنا می‌دهند؟

رسانه تنها ناقل خبر نیست؛ رسانه سازنده‌ی معناست. خبر، پیش از آنکه به دست مخاطب برسد، از صافی انتخاب، چینش و واژه‌گزینی عبور می‌کند. این صافی همان جایی است که معنا شکل می‌گیرد. انتخاب واژه‌ها می‌تواند یک کنش را از اساحت اخلاقی به ساحت فنی منتقل کند، یا برعکس، از حوزه‌ی فنی به میدان قضاوت اخلاقی بکشاند. مثلی از «هدف» سخن گفته می‌شود، ذهن به سمت برنامه‌ریزی استراتژیک و محاسبه عقلانی می‌رود. اما وقتی همان عمل «تهدید» نام می‌گیرد، بار منفی و امنیتی آن فعال می‌شود و ذهن در مدار خطر، خشونت و بی‌ثباتی قرار می‌گیرد.

این تفاوت صرفاً تفاوتی زبانی نیست؛ تفاوتی ادراکی است. واژه‌ها چارچوب می‌سازند، و چارچوب‌ها تعیین می‌کنند که یک رویداد در کدام دسته‌بندی ذهنی قرار گیرد. اگر کنشی در چارچوب «راهبرد» تعریف شود، نوعی عقلانیت به آن نسبت داده می‌شود. اگر همان کُش در چارچوب «تهدید» قرار گیرد، بی‌درنگ به قلمرو هراس و محکومیت وارد می‌شود. در هر دو حالت، مخاطب هنوز به تحلیل مستقل نرسیده است؛ اما مسیر تحلیل برای او ترسیم شده است.

واژه‌ها بی‌طرف نیستند. آن‌ها حامل ارزش‌اند، حامل پیش‌فرض‌اند و حامل داوری‌های پنهان‌اند. رسانه‌ای که از «پاسخ قاطع» سخن می‌گوید، با رسانه‌ای که از «تشدید تنش» می‌نویسد، دو جهان متفاوت می‌سازد. در جهان نخست، کُشگر در مقام دفاع یا اقتدار دیده می‌شود؛ در جهان دوم، همان کُشگر در جایگاه عامل بحران قرار می‌گیرد. مخاطب در هر جهان، قضاوت متفاوتی خواهد داشت، حتی اگر اطلاعات پایه یکسان باشد.

زبان رسانه‌ای همچنین می‌تواند شدت یک رویداد را تنظیم کند. گاه با واژه‌های نرم، حادثه‌ای بزرگ عادی جلوه داده می‌شود؛ گاه با واژه‌های تند، رویدادی محدود به بحران فراگیر تبدیل می‌شود. این تنظیم شدت، ذهن مخاطب را برای پذیرش یا رد یک اقدام آماده می‌کند. واژه‌ها مانند پیچ تنظیم صدا عمل می‌کنند؛ می‌توانند حجم خطر را بالا ببرند یا آن را در پس‌زمینه قرار دهند.

از سوی دیگر، تکرار یک الگوی واژگانی در طول زمان، به شکل‌گیری عادت ذهنی می‌انجامد. اگر همواره کنش‌های یک بازیگر با واژه‌های مثبت و کنش‌های بازیگر دیگر با واژه‌های منفی توصیف شود، مخاطب به تدریج به این دوگانه خو می‌گیرد. در نتیجه، هراس از آنکه خبر

جدیدی را بخواند، انتظار دارد که یکی «محق» و دیگری «مقصر» باشد.

این همان جایی است که زبان به ساختار ذهنی تبدیل می‌شود.

در چنین شرایطی، تغییر یک کلمه می‌تواند تغییر جایگاه اخلاقی ایجاد کند. آنچه تغییر می‌کند صرفاً زبان نیست؛ جایگاه اخلاقی بازیگران تغییر می‌کند. کُشگر می‌تواند از موقعیت «مدافع» به موقعیت «مهاجم» منتقل شود، یا برعکس، تنها با جابه‌جایی واژه‌ها. به همین دلیل است که نبردهای امروز تنها در میدان عمل رخ نمی‌دهند؛ در میدان معنا نیز جریان دارند.

در نهایت، باید پذیرفت که رسانه با هر انتخاب واژگانی، در حال ترسیم نقشه‌ای ذهنی برای مخاطب است. این نقشه تعیین می‌کند چه کسی مشروع است، چه کسی تهدیدگر است، و چه چیزی باید عادی تلقی شود. اگر مخاطب نسبت به این سازوکار آگاه نباشد، ممکن است ناخوسته در جهانی زندگی کند که نه بر اساس واقعیت عینی، بلکه بر اساس معماری واژه‌ها ساخته شده است.

چارچوب‌بندی و جنگ روایت‌ها

در این نقطه، ما دیگر صرفاً با انتقال خبر مواجه نیستیم، بلکه با جنگ روایت‌ها روبرو هستیم. خبر در ظاهر مجموعه‌ای از داده‌هاست؛ اما در عمل، هر خبر در قالب روایتی خاص ارائه می‌شود. روایت یعنی نظردادن به واقعیت، برجسته‌کردن برخی عناصر و کم‌رنگ‌کردن برخی دیگر. رسانه نه فقط واقعیت را گزارش می‌کند، بلکه آن را چارچوب‌بندی می‌کند؛ به آن زاویه می‌دهد، آن را در داستانی بزرگ‌تر جای می‌دهد و برایش معنای ضمنی می‌سازد.

انتخاب تیر، ترتیب ارائه اطلاعات، لحن نگارش و حتی عکس همراه خبر، همگی بخشی از این چارچوب‌سازی‌اند. تیر، دروازه ورود به روایت است. ترتیب اطلاعات تعیین می‌کند مخاطب ابتدا با چه احساسی مواجه شود: شوک، خشم، همدلی یا بی‌تفاوتی. لحن نگارش می‌تواند رسمی و خنثی باشد یا هشدارآمیز و ملتهب. تصویر همراه خبر نیز می‌تواند یک چهره آرام و رسمی را نشان دهد یا صحنه‌ای پرتشن و اضطراب‌آور را برجسته کند. مجموعه این عناصر، پیش از آنکه مخاطب فرصت تحلیل مستقل داشته باشد، جهت ذهنی او را تنظیم می‌کنند. در سناریوی مورد بحث، برای یک طرف زبان فنی و خنثی به کار می‌رود و برای طرف دیگر زبان جرم‌نگار و هیجانی. این تفاوت در لحن، تفاوت در جایگاه‌سازی است. زبان فنی، رفتار را در چارچوب عقلانیت و محاسبه قرار می‌دهد؛ زبان جرم‌نگار، همان رفتار را در چارچوب خطر و تخلف تعریف می‌کند. به این ترتیب، مخاطب نه بر اساس ماهیت کُش، بلکه بر اساس قالب ارائه‌شده درباره آن قضاوت می‌کند.

این همان چارچوب‌بندی گزینشی است؛ تکنیکی که مخاطب را به سوی نوع خاصی از قضاوت هدایت می‌کند، بی‌آنکه او الزاماً متوجه این هدایت باشد. چارچوب‌ها معمولاً نامرئی‌اند؛ آن‌ها به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که طبیعی و بدیهی به نظر برسند. مخاطب گمان می‌کند خود به نتیجه رسیده است، در حالی که مسیر رسیدن به نتیجه از پیش طراحی شده است.

در چنین فضایی، رقابت اصلی بر سر واقعیت خام نیست، بلکه بر سر تفسیر واقعیت است. هر طرف می‌کوشد روایت مسلط را شکل دهد؛ روایتی که در آن، کُش خودش مشروع و کُش طرف مقابل ناعوجب جلوه کند. اگر این روایت در افکار عمومی تثبیت شود، حتی رویدادهای بعدی نیز در همان چارچوب فهم خواهند شد. روایت غالب، همچون عدسی‌ای عمل می‌کند که هر خبر تازه‌ای از پشت آن دیده می‌شود.

اینجاست که جنگ روایت‌ها شکل می‌گیرد: نبرد بر سر اینکه چه کسی «مهاجم» است و چه کسی «تهدیدگر». این نبرد، پیش از آنکه در عرصه نظامی یا دیپلماتیک تعیین تکلیف شود، در ذهن‌ها جریان دارد. اگر افکار عمومی یک طرف را آغازگر خشونت بلاند، اقدامات متقابل او را نیز با دیده بدبینی خواهد نگریست. اما اگر همان طرف در قالب «مدافع» تصویر شود، حتی کُش‌های سخت‌گیرانه او نیز قابل توجیه جلوه خواهد کرد.

در نهایت، جنگ روایت‌ها تلاشی برای تصرف میدان ادراک است. واقعیت ممکن است پیچیده و چندلایه باشد، اما روایت می‌کوشد آن را ساده، دوگانه و قطعی کند؛ یکی مهاجم، دیگری قربانی؛ یکی تهدیدگر، دیگری مدافع. هرچه این دوگانگی‌سازی قوی‌تر باشد، امکان شکل‌گیری تحلیل مستقل در ذهن مخاطب کمتر می‌شود. از همین روست که در عصر رسانه، کنترل روایت گاه مهم‌تر از کنترل رویداد است.

استاندارد دوگانه و مشروع‌سازی گزینشی

در این الگو، نوعی استاندارد دوگانه هنجاری نیز فعال است. معیار قضاوت واحد نیست؛ بلکه بسته به اینکه کنش از سوی چه کسی صادر شده، معنا و ارزش آن تغییر می‌کند. یک رفتار، در صورت صدور از بازیگر مطلوب، «قابل فهم»، «واکنشی طبیعی» یا حتی «ضروری» معرفی می‌شود؛ اما همان رفتار، اگر از سوی بازیگر نامطلوب سر بزند، «خطرناک»، «بی‌ثبات‌کننده» و «محکوم» تلقی می‌شود. به بیان دیگر، معیار نه خود عمل، بلکه هویت فاعل آن است.

این استاندارد دوگانه معمولاً آشکار و صریح بیان نمی‌شود؛ بلکه در لایه‌های ظریف زبان و چارچوب‌بندی پنهان است. برای یک طرف، زمینه‌سازی تاریخی و سیاسی ارانه می‌شود، دلایل و محرک‌ها توضیح



داده می‌شود و مخاطب به درک «چرایی» رفتار دعوت می‌شود. اما برای طرف دیگر، همان رفتار بدون زمینه و توضیح کافی، به‌عنوان اقدامی ذاتاً مخرب یا غیرعقلانی معرفی می‌شود. نتیجه آن است که یکی «توضیح‌پذیر» جلوه می‌کند و دیگری «محکوم‌پذیر».

به این ترتیب، رسانه‌ها به‌طور ضمنی دست به مشروع‌سازی یک طرف و جرم‌نگاری طرف دیگر می‌زنند. مشروع‌سازی یعنی قرار دادن کُش در چارچوبی که آن را قابل قبول یا حتی قابل دفاع نشان دهد. جرم‌نگاری یعنی تعریف همان کُش در قالب تهدید، تخلف یا عدول

از هنجارها. این دو فرآیند، هم‌زمان و در کنار هم عمل می‌کنند؛ یکی چهره‌ای عقلانی و منظم می‌سازد، دیگری چهره‌ای بی‌ثبات و خطرناک، مخاطب، بدون آنکه وارد جزئیات پیچیده شود، جایگاه اخلاقی تغییر می‌کند. کُشگر می‌تواند از موقعیت «مدافع» به موقعیت «مهاجم» منتقل شود، یا برعکس، تنها با جابه‌جایی واژه‌ها. به همین دلیل است که نبردهای امروز تنها در میدان عمل رخ نمی‌دهند؛ در میدان معنا نیز جریان دارند.

در نهایت، باید پذیرفت که رسانه با هر انتخاب واژگانی، در حال ترسیم نقشه‌ای ذهنی برای مخاطب است. این نقشه تعیین می‌کند چه کسی مشروع است، چه کسی تهدیدگر است، و چه چیزی باید عادی تلقی شود. اگر مخاطب نسبت به این سازوکار آگاه نباشد، ممکن است ناخوسته در جهانی زندگی کند که نه بر اساس واقعیت عینی، بلکه بر اساس معماری واژه‌ها ساخته شده است.

انتخاب تیر، ترتیب ارائه اطلاعات، لحن نگارش و حتی عکس همراه خبر، همگی بخشی از این چارچوب‌سازی‌اند. تیر، دروازه ورود به روایت است. ترتیب اطلاعات تعیین می‌کند مخاطب ابتدا با چه احساسی مواجه شود: شوک، خشم، همدلی یا بی‌تفاوتی. لحن نگارش می‌تواند رسمی و خنثی باشد یا هشدارآمیز و ملتهب. تصویر همراه خبر نیز می‌تواند یک چهره آرام و رسمی را نشان دهد یا صحنه‌ای پرتشن و اضطراب‌آور را برجسته کند. مجموعه این عناصر، پیش از آنکه مخاطب فرصت تحلیل مستقل داشته باشد، جهت ذهنی او را تنظیم می‌کنند. در سناریوی مورد بحث، برای یک طرف زبان فنی و خنثی به کار می‌رود و برای طرف دیگر زبان جرم‌نگار و هیجانی. این تفاوت در لحن، تفاوت در جایگاه‌سازی است. زبان فنی، رفتار را در چارچوب عقلانیت و محاسبه قرار می‌دهد؛ زبان جرم‌نگار، همان رفتار را در چارچوب خطر و تخلف تعریف می‌کند. به این ترتیب، مخاطب نه بر اساس ماهیت کُش، بلکه بر اساس قالب ارائه‌شده درباره آن قضاوت می‌کند.

این همان چارچوب‌بندی گزینشی است؛ تکنیکی که مخاطب را به سوی نوع خاصی از قضاوت هدایت می‌کند، بی‌آنکه او الزاماً متوجه این هدایت باشد. چارچوب‌ها معمولاً نامرئی‌اند؛ آن‌ها به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که طبیعی و بدیهی به نظر برسند. مخاطب گمان می‌کند خود به نتیجه رسیده است، در حالی که مسیر رسیدن به نتیجه از پیش طراحی شده است.

در چنین فضایی، رقابت اصلی بر سر واقعیت خام نیست، بلکه بر سر تفسیر واقعیت است. هر طرف می‌کوشد روایت مسلط را شکل دهد؛ روایتی که در آن، کُش خودش مشروع و کُش طرف مقابل ناعوجب جلوه کند. اگر این روایت در افکار عمومی تثبیت شود، حتی رویدادهای بعدی نیز در همان چارچوب فهم خواهند شد. روایت غالب، همچون عدسی‌ای عمل می‌کند که هر خبر تازه‌ای از پشت آن دیده می‌شود.

اینجاست که جنگ روایت‌ها شکل می‌گیرد: نبرد بر سر اینکه چه کسی «مهاجم» است و چه کسی «تهدیدگر». این نبرد، پیش از آنکه در عرصه نظامی یا دیپلماتیک تعیین تکلیف شود، در ذهن‌ها جریان دارد. اگر افکار عمومی یک طرف را آغازگر خشونت بلاند، اقدامات متقابل او را نیز با دیده بدبینی خواهد نگریست. اما اگر همان طرف در قالب «مدافع» تصویر شود، حتی کُش‌های سخت‌گیرانه او نیز قابل توجیه جلوه خواهد کرد.

در نهایت، جنگ روایت‌ها تلاشی برای تصرف میدان ادراک است. واقعیت ممکن است پیچیده و چندلایه باشد، اما روایت می‌کوشد آن را ساده، دوگانه و قطعی کند؛ یکی مهاجم، دیگری قربانی؛ یکی تهدیدگر، دیگری مدافع. هرچه این دوگانگی‌سازی قوی‌تر باشد، امکان شکل‌گیری تحلیل مستقل در ذهن مخاطب کمتر می‌شود. از همین روست که در عصر رسانه، کنترل روایت گاه مهم‌تر از کنترل رویداد است.

استاندارد دوگانه و مشروع‌سازی گزینشی این همان چارچوب‌بندی گزینشی است؛ تکنیکی که مخاطب را به سوی نوع خاصی از قضاوت واحد نیست؛ بلکه بسته به اینکه کنش از سوی چه کسی صادر شده، معنا و ارزش آن تغییر می‌کند. یک رفتار، در صورت صدور از بازیگر مطلوب، «قابل فهم»، «واکنشی طبیعی» یا حتی «ضروری» معرفی می‌شود؛ اما همان رفتار، اگر از سوی بازیگر نامطلوب سر بزند، «خطرناک»، «بی‌ثبات‌کننده» و «محکوم» تلقی می‌شود. به بیان دیگر، معیار نه خود عمل، بلکه هویت فاعل آن است.

این استاندارد دوگانه معمولاً آشکار و صریح بیان نمی‌شود؛ بلکه در لایه‌های ظریف زبان و چارچوب‌بندی پنهان است. برای یک طرف، زمینه‌سازی تاریخی و سیاسی ارانه می‌شود، دلایل و محرک‌ها توضیح

یکشنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۵۰۳

زبویه‌ای خواهید دید که آن رسانه یا شبکه رسانه‌ای ترجیح می‌دهد.

این موضوع لزوماً به معنای دروغ بودن محتوا نیست؛ بلکه به معنای محدود بودن زاویه دید است. محدودیت زاویه دید، به‌تدریج می‌تواند به قطعات‌های یک‌سویه تبدیل شود.

هیچ رسانه‌ای کاملاً خنثی نیست. هر رسانه، آگاهانه یا ناخودآگاه، بر اساس ارزش‌ها، منافع، پیش‌فرض‌ها و مخاطبان خود روایت می‌کند. برخی بر امنیت تأکید می‌کنند، برخی بر حقوق بشر، برخی بر ثبات اقتصادی و برخی بر هویت فرهنگی. این انتخاب‌های تأکیدی، همان چارچوب‌هایی هستند که ادراک شما را شکل می‌دهند. تصور بی‌طرفی مطلق، اغلب ساده‌سازی واقعیت پیچیده رسانه است.

اگر تنها از یک منب تغذیه شوید، تنها از یک زاویه جهان را دیده‌اید. همان‌گونه که مشاهده یک کوه از یک سمت، تصویر کاملی از آن به شما نمی‌دهد، مصرف خبری تک‌منبعی نیز تصویری ناقص می‌سازد. تنوع منابع به معنای سردرگمی نیست؛ به معنای مقایسه و سنجش است. وقتی روایت‌ها را کنار هم می‌گذارید، اختلاف‌ها و شباهت‌ها آشکار می‌شود و امکان دآوری مستقل افزایش می‌یابد.

برای آنکه گرفتار استانداردهای دوگانه و چارچوب‌بندی‌های جهت‌دار نشوید، لازم است چند گام ساده اما اساسی بردارید:

نخست، میان «خبر» و «تحلیل» تفاوت بگذارید. خبر باید بر داده‌ها و رویدادهای قابل راستی‌آزمایی استوار باشد؛ تحلیل، تفسیر همان داده‌هاست. بسیاری از اوقات این دو هم آمیخته می‌شوند و مرز میان واقعیت و برداشت محو می‌شود.

دوم، تیر را با متن کامل مقایسه کنید. گاهی تیر بار هیجانی شدیدی دارد، اما متن خبر مخاطبانه‌تر و پیچیده‌تر است. قضاوت بر اساس تیر، واگذاری میدان به احساسات اولیه است.

سوم، به منبع اصلی ارجاع توجه کنید. آیا خبر به سند مشخص، آمار دقیق یا نقل قول قابل بررسی اشاره دارد، یا بر عبارات کلی و مبهم تکیه کرده است؟

سرعت انتشار خبر، جایگزین دقت نمی‌شود. در شبکه‌های اجتماعی، نخست بودن گاه مهم‌تر از درست بودن جلوه می‌کند. اما برای مخاطب آگاه، دقت و صحت اهمیت بیشتری دارد. هر خبری که سریع‌تر منتشر می‌شود، الزاماً دقیق‌تر نیست. مکث کوتاه برای بررسی منبع و مقایسه روایت‌ها، می‌تواند از شکل‌گیری قضاوت‌های عجولانه جلوگیری کند. هیجان تیزرها معیار حقیقت نیست. تیزرهای تند، ششپان‌انگیز یا هراس‌آلود، بیش از آنکه به فهم کمک کنند، واکنش فوری می‌طلبند. حقیقت‌ها اغلب در جزئیات آرام و بی‌هیاهو نهفته است. مسئولیت شما به‌عنوان مخاطب در این عصر، تنها خواندن نیست؛ اندیشیدن است. اندیشیدن به واژه‌ها، به چارچوب‌ها و به این پرسش بنیادین که: «این خبر می‌خواهد من جهان را چگونه ببینم؟»

سرانجام سخن

آنچه در بخش‌های پیشین بررسی شد، تصویری چندلایه از سازوکارهای اثرگذاری رسانه در عصر جنگ روایت‌ها و جنگ شناختی ارائه می‌کند. از چارچوب‌بندی گزینشی و استانداردهای دوگانه هنجاری گرفته تا امنیتی‌سازی واژگانی و نقش تیزرها در ساختن فضای هیجانی، همگی نشان می‌دهند که مسئله «تغییر رفتار» تنها یک موضوع در میدان معناست. رسانه تنها گزارشگر واقعیت نیست؛ در بسیاری از موارد، مدعای ادراک عمومی است.

در سطح نخست، دیدیم که چگونه چارچوب‌بندی می‌تواند یک کُش را در قالبی خاص قرار دهد. انتخاب تیر، ترتیب اطلاعات، میزان برجسته‌سازی یا حذف برخی زمینه‌ها، همگی بر قضاوت مخاطب اثر می‌گذارند. وقتی برای یک بازیگر از زبان فنی و خنثی استفاده می‌شود و برای بازیگر دیگر از زبان هیجانی و جرم‌نگار، ذهن مخاطب به‌صورت نامرئی به سمت دلوری خاصی هدایت می‌شود. این هدایت لزوماً با دروغ همراه نیست؛ بلکه با گزینش و چینش همراه است.

در لایه‌ای عمیق‌تر، استاندارده دوگانه هنجاری فعال می‌شود. یک رفتار، بسته به اینکه از سوی چه کسی صادر شده، معنا و ارزش متفاوت می‌یابد. همان‌کُشی که برای یک طرف «قابل فهم» و «واکنش طبیعی» معرفی می‌شود، برای طرف دیگر «خطرناک» و «بی‌ثبات‌کننده» خوانده می‌شود. به این ترتیب، مشروع‌سازی و جرم‌نگاری هم‌زمان رخ می‌دهد. نتیجه آن، شکل‌گیری نقشه‌ای اخلاقی در ذهن مخاطب است که جایگاه بازیگران را از پیش تعیین می‌کند.

سپس به نقش زبان و واژه‌ها پرداختیم. واژه‌ای مانند «تهدید» صرفاً یک اصطلاح خبری نیست؛ حامل بار عاطفی و امنیتی است. این‌گونه واژگان فضای اضطراب می‌سازند، حس فوریت ایجاد می‌کنند و پذیرش واکنش‌های شدیدتر را آسان‌تر می‌کنند. در مقابل، استفاده از واژگان خنثی، همان کُش را عادی و قابل مدیریت جلوه می‌دهد. این همان امنیتی‌سازی گزینشی است؛ برخی رفتارها به‌سرعت در چارچوب خطر تعریف می‌شوند و برخی دیگر از این چارچوب بیرون می‌مانند.

در سطحی فراتر، همه این فرایندها در چارچوب جنگ شناختی معنا پیدا می‌کنند. در این میدان، هدف تصرف سرزمین نیست؛ تصرف ادراک است. اگر افکار عمومی بپذیرد که یک طرف مشروع و دیگری تهدیدگر است، بخش مهمی از نبرد به سود اوایت غالب پایان یافته است. در چنین شرایطی، تغییر یک واژه می‌تواند معادل تغییر یک موضع در میدان واقعی باشد، زیرا مسیر تصمیم‌گیری و حمایت عمومی را تغییر می‌دهد. اما جمع‌بندی این تحلیل تنها در سطح توصیف سازوکارها باقی نمی‌ماند. پرسش نهایی متوجه جامعه است. در جهانی که خبر با سرعتی بی‌سابقه منتشر می‌شود و شبکه‌های اجتماعی مرز میان خبر، تحلی و نظر مشخصی را جهت‌دارند. سرعت انتشار خبر جایگزین دقت گذشته شده است. انتخاب منبع خبر، در واقع انتخاب زاویه دید است. مصرف تک‌منبعی، به‌تدریج به شکل‌گیری تصویری تک‌بعدی از جهان می‌انجامد.

هیچ رسانه‌ای کاملاً خنثی نیست. هر رسانه جهان را از دریچه‌ای خاص می‌بیند و روایت می‌کند. این امر لزوماً به معنای بی‌اعتباری آن نیست، بلکه به معنای ضرورت مقایسه و سنجش است. مخاطب آگاه می‌داند که تیزرها ممکن است هیجانی‌تر از متن باشند، تحلیل ممکن است در پوشش خبر ارائه شود، و چارچوب‌های واژگانی ممکن است ناخودآگاه ذهن او را هدایت کنند. بنابراین، نتیجه‌گیری اساسی این است که در عصر جنگ روایت‌ها، سواد رسانه‌ای یک مهارت جانی نیست؛ یک ضرورت مدنی است. دقت در واژه‌ها، توجه به منبع، مقایسه روایت‌ها، تفکیک خبر از تحلیل، و پرهیز از قضاوت‌های شتاب‌زده، ابزارهای دفاعی ذهن در برابر چارچوب‌بندی‌های جهت‌دارند. سرعت انتشار خبر جایگزین دقت نمی‌شود، و هیجان تیزرها معیار حقیقت نیست.

در نهایت، میدان اصلی این نبرد در ذهن‌هاست. هر مخاطب می‌تواند یا مصرف‌کننده منفعل روایت‌ها باشد، یا کُشگر آگاهی که چارچوب‌ها را می‌شناسد و آگاهانه انتخاب می‌کند. پیروزی در جنگ شناختی زمانی کامل می‌شود که هدایت ادراک نامرئی بعاند. و مقاومت در برابر آن از لطفه‌ای آغاز می‌شود که مخاطب ببرد؛ «این روایت چگونه و با چه واژگانی ساخته شده است؟»

اگر این پرسش به عادت ذهنی ما تبدیل شود، بخشی از توازن از میدان روایت به میدان آگاهی بازمی‌گردد.

خبر

استاندار:

«ارومیه» به عنوان نخستین شهر سلامت آذربایجان غربی ثبت شد



ظرفیت‌های مرزی، گردشگری و انسانی استان زمانی موفق خواهد بود که به ایجاد اشتغال پایدار، جلوگیری از مهاجرت جوانان و بهبود معیشت خانوارها منجر شود و در این راستا استفاده از ظرفیت‌های گردشگری منطقه، به‌ویژه جاذبه‌های طبیعی و تاریخی، توسعه

طرح نو؛ گروه خبر
استاندار آذربایجان غربی گفت: نخستین شهر سلامت استان در ارومیه به ثبت رسیده است که می‌تواند نقش مهمی در توسعه خدمات درمانی و گردشگری سلامت ایفا کند.

رضا رحمانی با اشاره به ظرفیت‌های استان در حوزه‌های گردشگری اظهار کرد: آذربایجان غربی با هفت مرز بین‌المللی و ظرفیت غنی گردشگری و میراث فرهنگی، از جمله تخت سلیمان تکاب و میدان امام ارومیه (مسجد جامع هزارساله)، می‌تواند به شناسنامه ایران و میراث جهانی تبدیل شود و ثبت جهانی این آثار در یونسکو نیز در حال پیگیری است. وی افزود: آذربایجان غربی با تمدنی هشت‌هزار ساله و مناطقی با سابقه بیش از ۹ هزار سال، به همراه آب و هوای مناسب و جوانان باهوش و با استعداد از ظرفیت بالایی برای توسعه برخوردار است، و در حال حاضر نیز احیای دریاچه ارومیه و تالاب‌های استان و حفاظت از آثار تاریخی با برنامه‌ریزی و جدیت دنبال می‌شود.

استاندار آذربایجان غربی ادامه داد: بهره‌برداری از

گردشگری سلامت ایفا کند.

وی در ادامه به اهمیت همکاری بین‌المللی در توسعه گردشگری اشاره کرد و گفت: با برقراری ارتباطات موثر با کشورهای همسایه و جذب سرمایه‌گذاران خارجی، می‌توانیم زیرساخت‌های گردشگری را بهبود بخشیم و تجربه‌ای منحصر به فرد برای گردشگران داخلی و خارجی فراهم کنیم، برای این منظور برگزاری نمایشگاه‌ها و رویدادهای فرهنگی و هنری نیز می‌تواند به معرفی جاذبه‌های استان کمک کند و زمینه‌ساز افزایش بازدیدکنندگان شود.

استاندار آذربایجان غربی همچنین به نقش آموزش و توانمندسازی جوانان در صنعت گردشگری اشاره کرد و افزود: سرمایه‌گذاری در آموزش نیروی انسانی، به ویژه در زمینه‌های مهمی، چون زبان‌آموزی، مدیریت مهمان‌نوازی و راهنمایی گردشگری، می‌تواند کیفیت خدمات را ارتقا دهد و رضایت گردشگران را جلب کند، با ایجاد دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی، جوانان استان می‌توانند به عنوان سفیران فرهنگی و گردشگری آذربایجان غربی در سطح ملی و بین‌المللی عمل کنند.

زیرساخت‌های راه و بهره‌گیری بیشتر از مرزها می‌تواند نقطه عطفی در پیشرفت استان باشد.

رحمانی خاطر نشان کرد: نخستین شهر سلامت آذربایجان غربی نیز در ارومیه به ثبت رسیده است که می‌تواند نقش مهمی در توسعه خدمات درمانی و

مدیرعامل شرکت آب منطقه ای استان:

۸ هزار هکتار از اراضی آذربایجان غربی زیر پوشش آب پایدار قرار گرفت



وی اضافه کرد: با احتساب این میزان و افتتاح‌های سال‌های گذشته، تاکنون هفت هزار و ۵۰۰ هکتار از اراضی تحت پوشش پروژه به بهره‌برداری رسیده است.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان غربی خاطر نشان کرد: تاکنون با احتساب افتتاح‌های گذشته، حدود هفت هزار و ۵۰۰ هکتار از این اراضی به بهره‌برداری رسیده و پیش‌بینی

افزایش راندمان انتقال آب و کاهش ورود رسوبات به انهار کشاورزی می‌شود و در نتیجه، برداشت از منابع آب زیرزمینی نیز کاهش خواهد یافت.

وی درباره مشخصات فنی طرح توضیح داد: کانال اصلی انتقال آب در ساحل راست رودخانه قظور به طول چهار هزار و ۵۷۰ متر با احداث ۳۴ سازه هیدرولیکی اجرا شده و سه هزار و ۲۵۰ هکتار زمین را پوشش می‌دهد؛ همچنین مسیر رهال به طول ۲ هزار و ۵۰۰ متر با ۴۸ سازه فنی، امکان آبیاری ۲۳۶ هکتار از اراضی منطقه را فراهم کرده است.

رستگاری در ادامه به طرح ایستگاه‌های پمپاژ پیرانشهر اشاره کرد و گفت: در این شهرستان حدود ۱۳ هزار هکتار اراضی کشاورزی در قالب پروژه آبیاری تحت فشار قرار دارد که آب مورد نیاز آن از طریق ۱۴ ایستگاه پمپاژ تأمین می‌شود.

وی با بیان اینکه بهره‌برداری از این پروژه به‌صورت مرحله‌ای انجام می‌شود، بیان کرد: امروز در فاز سوم، پنج ایستگاه پمپاژ برای آبیاری یک هزار و ۳۳۰ هکتار از اراضی ۱۰ روستای بخش مرکزی و لاجان افتتاح شد.

طرح نو؛ گروه خبر
مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان غربی گفت: با بهره‌برداری از دو طرح مهم در دهه فجر امسال، حدود هشت هزار هکتار از اراضی کشاورزی شمال و جنوب استان زیر پوشش آب پایدار قرار می‌گیرد که نقش مؤثری در پایداری تولید و افزایش راندمان مصرف آب دارد.

مجید رستگاری افزود: این طرح‌ها شامل ایستگاه‌های پمپاژ شبکه آبیاری تحت فشار در پیرانشهر و همچنین شبکه آبیاری و زهکشی طرح غازان در شهرستان خوی است.

وی با اشاره به اجرای طرح بویلاپوش در قالب ناحیه عمرانی قظور یادآوری کرد: این طرح به‌عنوان بخشی از پروژه ساختمان سد و شبکه آبیاری غازان‌چای اجرا شده و با بهره‌برداری از آن، امکان آبیاری حدود ۶ هزار و ۵۰۰ هکتار از اراضی ۱۳ روستا در سواحل راست و چپ رودخانه قظور فراهم شده است.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان غربی افزود: اجرای این پروژه موجب سهولت در آبیاری،

گزارشی از نمایشگاه کتاب؛

بازگشت امید فرهنگی پس از وقفه چند ساله به آذربایجان غربی



معاون سیاسی و اجتماعی استاندار آذربایجان غربی نیز ۲۳ بهمن در مراسم افتتاحیه، نمایشگاه کتاب را «حرکتی بزرگ فرهنگی» در مسیر افزایش سرانه مطالعه دانست و ابراز امیدواری کرد ارومیه در سال‌های آینده عنوان پایتخت کتاب ایران را کسب کند.

آنچه در روزهای نخست نمایشگاه به چشم می‌آید، صرفاً فروش کتاب نیست؛ بلکه بازگشت یک جریان فرهنگی به شهر است. قدم‌زدن خانواده‌ها میان غرفه‌ها، گفت‌وگو درباره کتاب‌ها، حضور کودکان با کیسه‌های پر از کتاب و استقبال دانشجویان، تصویری از شهری ارانه می‌دهد که همچنان به فرهنگ مطالعه باور دارد.

اگر این روند با برنامه‌ریزی منظم و استمرار همراه شود، نمایشگاه کتاب می‌تواند نه تنها یک رویداد سالانه، بلکه به یک برند فرهنگی ماندگار برای ارومیه و آذربایجان غربی تبدیل شود؛ رویدادی که فاصله میان کتاب و زندگی روزمره مردم را کوتاه‌تر می‌کند. /ايسنا

در حاشیه بازدید از این نمایشگاه در جمع خبرنگاران با بیان اینکه «کتاب را نباید صرفاً یک کالای مادی دانست»، آن را رکن اساسی توسعه اجتماعی و فرهنگی خواند و ابراز امیدواری کرد ارومیه در سال‌های آینده عنوان پایتخت کتاب ایران را کسب کند.

آنچه در روزهای نخست نمایشگاه به چشم می‌آید، صرفاً فروش کتاب نیست؛ بلکه بازگشت یک جریان فرهنگی به شهر است. قدم‌زدن خانواده‌ها میان غرفه‌ها، گفت‌وگو درباره کتاب‌ها، حضور کودکان با کیسه‌های پر از کتاب و استقبال دانشجویان، تصویری از شهری ارانه می‌دهد که همچنان به فرهنگ مطالعه باور دارد.

اگر این روند با برنامه‌ریزی منظم و استمرار همراه شود، نمایشگاه کتاب می‌تواند نه تنها یک رویداد سالانه، بلکه به یک برند فرهنگی ماندگار برای ارومیه و آذربایجان غربی تبدیل شود؛ رویدادی که فاصله میان کتاب و زندگی روزمره مردم را کوتاه‌تر می‌کند. /ايسنا

ارومیه در مسیر پایتخت کتاب ایران
نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی نیز

و روستاها، بتوانند از اعتبارات و امکانات فرهنگی بهره‌مند شوند.

وی با اشاره به همکاری نهادهای فرهنگی از جمله اداره‌کل ارشاد استان، معاونت فرهنگی وزارتخانه و موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران، بر تلاش برای ارائه بهترین کیفیت در این دوره تأکید کرد.

وی در خصوص حمایت از کتابفروشان محلی نیز توضیح داد: برای جلوگیری از آسیب دیدن بازار کتابفروشی‌ها، طرح حمایتی مجازی در استان اجرا می‌شود که طی آن مردم می‌توانند کتاب‌های مورد نظر خود را از کتابفروشی‌های محلی خریداری کنند. این طرح با هدف پیوند زدن نمایشگاه به شبکه کتابفروشی‌ها اجرا شده و امیدواریم استقبال از آن افزایش یابد.

افشارپور از رسانه‌ها خواست با اطلاع‌رسانی گسترده، زمینه بهره‌مندی تمامی مردم استان از این رویداد فرهنگی را فراهم کنند.

نمایشگاه متعلق به همه استان است

مدیرکل امور استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در حاشیه نمایشگاه در جمع خبرنگاران افزود: این نمایشگاه تنها متعلق به مرکز استان نیست و باید زمینه حضور علاقه‌مندان شهرستان‌ها نیز فراهم شود تا همه شهرها و حتی روستاهای استان از این ظرفیت فرهنگی بهره‌مند شوند.

وی با اشاره به برگزاری همزمان نمایشگاه‌های استانی در ۱۰ استان کشور، نمایشگاه آذربایجان غربی را پنجمین نمایشگاه برگزارشده از ابتدای سال جاری دانست و نقش رسانه‌ها را در اطلاع‌رسانی و ترغیب مردم به حضور، تعیین‌کننده عنوان کرد.

نقطه تلاقی مدارس، خانواده‌ها و جامعه

جمعیت بازدیدکنندگان را تشکیل می‌دهند. امسال علاوه بر غرفه‌های کودک در همکف، یک طبقه کامل به بخش کودک و نوجوان اختصاص یافته است.

یکی از مادران حاضر در نمایشگاه در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: اختصاص یک بخش جدا برای کودکان در این نمایشگاه ایده خوبی است. بچه‌ها راحت‌تر کتاب‌هایشان را انتخاب می‌کنند و فضای شلوغ بزرگسالان موجب آذیت آنها نمی‌شود.

یک دانشجوی حاضر در نمایشگاه نیز با اشاره به تنوع ناشران به خبرنگار ما گفت: تنوع کتاب‌ها نسبت به انتظار بیشتر بود و توانستم هم منابع دانشگاهی تهیه کنم و هم کتاب‌های عمومی.

همچنین بخش مجازی نمایشگاه فعال شده و شهروندان می‌توانند از طریق کتابفروشی‌های استان، کتاب‌های مورد نظر خود را با حمایت یارانه‌ای و ارسال رایگان تهیه کنند؛ طرحی که به گفته مسئولان، در راستای تقویت عدالت فرهنگی و حمایت از شبکه کتابفروشی‌های محلی اجرا می‌شود.

سامانه متمرکز فروش و اپلیکیشن نمایشگاه نیز امکان مکان‌یابی کتاب‌ها و اعمال خودکار تخفیف را فراهم کرده است؛ اقدامی که به گفته معاونان برگزارکننده، می‌تواند به تبدیل نمایشگاه‌های استانی به یک برند فرهنگی پایدار کمک کند.

هدف نمایشگاه: بهره‌مندی تمام مردم از امکانات فرهنگی

ناصر افشارپور، مدیرکل دفتر نشر و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در حاشیه برگزاری نمایشگاه کتاب در ارومیه بر لزوم برگزاری منظم و باکیفیت نمایشگاه تأکید کرد و گفت: هدف اصلی این است که تمام مردم استان، اعم از ساکنان شهرها

طرح نو؛ گروه گزارش
پس از چند سال وقفه، نمایشگاه سراسری کتاب در آذربایجان غربی بار دیگر برپا شده و از همان روزهای نخست، با استقبال قابل توجه شهروندان همراه شده است؛ استقبالی که نشان می‌دهد کتاب همچنان در سبب فرهنگی خانواده‌ها جایگاه خود را حفظ کرده است.

هفدهمین دوره این رویداد فرهنگی نمایشگاه کتاب از ۲۳ تا ۳۰ بهمن‌ماه در تالار وحدت ارومیه آغاز شده است؛ تغییری که به گفته بسیاری از بازدیدکنندگان، دسترسی آسان‌تر و امکان بازدید آرام‌تر را فراهم کرده است. در سال‌های گذشته نمایشگاه در سالن‌های نمایشگاه‌های بین‌المللی پارک جنگلی برگزار می‌شد، اما امسال فضای متمرکز، مکان مناسب شرایط مطلوب‌تری را برای علاقه‌مندان فراهم کرده است.

حضور ۳۱۵ ناشر و عرضه ۲۵ هزار عنوان کتاب

به گفته مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، در این دوره ۳۱۵ ناشر از سراسر کشور حضور دارند که ۱۰ ناشر استانی و ۳۰۵ ناشر کشوری هستند.

علیرضا نوروزی، ۲۴ بهمن در حاشیه این نمایشگاه گفت: بیش از ۲۵ هزار عنوان کتاب در قالب ۱۲۵ هزار جلد در موضوعات متنوعی از کودک و نوجوان گرفته تا دانشگاهی، عمومی، علوم، دفاع مقدس، زبان‌های خارجی، کتب نفیس و مفاخر عرضه شده است.

وی ادامه داد: کتاب‌ها با ۳۰ درصد تخفیف تا سقف یک میلیون تومان و برای خریدهای بالاتر با ۱۰ درصد تخفیف در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد؛ مشوقی که در روزهای نخست، به افزایش میزان خرید خانواده‌ها کمک کرده است. بازدید میدانی خبرنگار ما از نمایشگاه کتاب نشان می‌دهد خانواده‌ها و دانش‌آموزان سهم قابل توجهی از

صاحب امتیاز: مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی
آدرس تبریز: خیابان امام - مابین چهارراه منصور و میدان ساعت - جنب مسجد کبود
مجتمع تجاری ابریشم - طبقه اول - واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲
آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱
تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸
لینوگرافی و چاپ: شاخه سبز

طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

امام باقر (ع)

هیچ شرافتی (افتخاری) چون بلندهمتتی

نیست

یکشنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۴۰۴ - سال نوزدهم - شماره ۳۵۰۳

خبر

حذف گل‌های فصلی در منطقه ۵ تبریز با رویکرد مدیریت بهینه فضای سبز



طرح نو؛ گروه شهری روح‌اله قراچورلو، مدیر سیما، منظر و فضای سبز شهرداری منطقه ۵ تبریز، از اجرای طرح حذف گل‌های فصلی در بخشی از معابر و بوستان‌های این منطقه خبر داد و هدف از این اقدام را حرکت به سوی الگوی پایدار کاشت و مدیریت بهینه منابع عنوان کرد.

روح‌اله قراچورلو با اعلام این خبر اظهار کرد: با توجه به شرایط اقلیمی، محدودیت منابع آبی و هزینه‌های بالای تأمین و نگهداشت گل‌های فصلی، بازنگری در الگوی کاشت فضای سبز منطقه در دستور کار قرار گرفته و در همین راستا، حذف تدریجی گل‌های فصلی از برخی نقاط اجرا شده است.

وی افزود: کاشت گل‌های فصلی به دلیل نیاز به آبیاری مستمر، تعویض دوره‌ای و هزینه‌های اجرایی بالا، توجیه اقتصادی و زیست‌محیطی بلندمدت ندارد؛ از این رو مدیریت سیما، منظر و فضای سبز منطقه ۵ استفاده از گونه‌های دائمی، مقاوم و کم‌آببر را جایگزین این الگو کرده است.

قراچورلو با اشاره به اهداف اجرای این طرح تصریح کرد: کاهش مصرف آب، صرفه‌جویی در هزینه‌های جاری، افزایش ماندگاری پوشش گیاهی، ارتقای کیفیت منظر شهری و حرکت در مسیر توسعه پایدار از مهم‌ترین اهداف این اقدام است. همچنین با اجرای این برنامه، امکان تمرکز بیشتر بر تقویت زیرساخت‌های فضای سبز و نگهداشت اصولی پارک‌ها و بوستان‌های محلی فراهم می‌شود.

مدیر سیما، منظر و فضای سبز شهرداری منطقه ۵ تبریز در پایان تأکید کرد: تمامی برنامه‌های حوزه فضای سبز با هدف حفظ شادابی محیط شهری، ارتقای رضایتمندی شهروندان و صیانت از منابع طبیعی اجرا می‌شود و تلاش خواهیم کرد ضمن رعایت اصول فنی، بهترین الگوی کاشت متناسب با شرایط اقلیمی تبریز را در سطح منطقه پیاده‌سازی کنیم.

شهردار خبر داد:

اختصاص ۶۰ درصد بودجه تبریز به حمل و نقل عمومی



شهردار تبریز توسعه حمل و نقل عمومی را اولویت شورای ششم شهر دانست و خاطر نشان کرد: ۶۰ درصد بودجه تبریز به حوزه حمل و نقل اختصاص یافته است که تلاش داریم از این طریق معضل ترافیک شهری کاهش یابد.

وی افزود: در همین راستا هم در بحث زیرساخت و هم بحث هوشمندسازی اقدامات مثبت زیادی انجام شده است.

هوشیار با اشاره به نوسازی ۲۲۰۰ دستگاه تاکسی در دوره فعلی مدیریت شهری خاطر نشان کرد: نوسازی تاکسی‌های درونشهری با حمایت شورای اسلامی شهر و با ارائه تسهیلات کم بهره صورت گرفته است و تلاش داریم در کنار تداوم نوسازی تاکسی‌های درونشهری، طرح نوسازی ون‌های تاکسی را نیز پیش ببریم.

وی با اشاره به اجرای طرح پشتیبانی از تاکسی‌های درونشهری افزود: جلسات مثبتی با تاکسیرانان و نمایندگان

طرح نو؛ گروه شهری شهردار تبریز اولویت شورای اسلامی شهر در دوره فعلی مدیریت شهری را توسعه ناوگان حمل و نقل عمومی دانست و گفت: ۶۰ درصد از بودجه کلانشهر تبریز به توسعه حمل و نقل عمومی اختصاص دارد.

یعقوب هوشیار در حاشیه برگزاری سومین دور رالی خانوادگی ویژه تاکسیرانان اظهار کرد: سومین دوره رالی خانوادگی تاکسیرانان در راستای ایجاد شور و نشاط اجتماعی برگزار شد.

وی با بیان اینکه شهرداری تبریز در حوزه توسعه ورزش همگانی در تمامی رده‌های سنی و خانواده‌ها طرح ۵۲ هفته ورزشی را تدوین کرده است، افزود: یکی از این برنامه‌ها برگزاری رالی خانوادگی تاکسیرانان است که با مشارکت ۶۰۰ نفر از تاکسیرانان شهری و با حضور خانواده‌های آنها برگزار شد.

آنها برگزار کردیم و تلاش داریم مطالبات آنها را برآورده کنیم.

به گفته هوشیار بخش عمده‌ای از حمل و نقل درونشهری شامل یک میلیون سفر روزانه توسط رانندگان تاکسی انجام می‌شود. و رضایت تاکسیرانان و خدماتی که می‌دهند، در جلب رضایت عمومی شهروندان مؤثر است.

شهردار تبریز در پایان ضمن قدردانی زحمات تاکسیرانان شهر اعلام کرد: تا جایی که شایسته این قشر زحمتکش است، این خدمات را ارائه می‌دهیم.

سومین دوره مسابقات رالی خانوادگی ویژه تاکسیرانان تبریز با حضور ۶۰۰ دستگاه تاکسی به مناسبت ایام الله دهه فجر و در راستای تکریم خدمات تاکسیرانان کلانشهر تبریز، با همکاری سازمان تاکسیرانی، باشگاه ورزشی شهرداری تبریز نیروی انتظامی، پلیس راهور و هیأت موتورسواری و اتومبیلرانی آذربایجان شرقی برگزار شد.

گزارش

شهرسازی تاکتیکی: گذر از موقت به پایدار؛ آزمونی برای شهر فردا

یک ضرورت عمیق از منظر اقتصادی و بهداشتی است، اما در عین حال با چالش‌های زیست‌محیطی «شهرهای پایدار» نیز همسو است.

در نهایت، این فضاهای موقت می‌توانند - بسته به نوع استفاده و بازخورد مردم - به فضاهای دائمی تبدیل شوند. و اگر این مدل موفقیت‌آمیز باشد، چرا نباید این شیوه کار را دموکراتیک کرده و آن را به نیازهای دیگر نیز تعمیم داد؟ نیازهایی مانند ایجاد فضاهای سبز، باغ‌ها و باغچه‌های شهری؛ که در اغلب شهرها در حال انجام است. شهرسازی تاکتیکی فقط برای دوچرخه نیست، بلکه می‌تواند راهی برای وارد کردن طبیعت (کشاورزی شهری) به قلب سیما و آسفالته باشد.

اهمیت انعطاف‌پذیری در مدیریت شهری: موقت یا دائمی؟

برخلاف شهرسازی سنتی که از بالا به پایین دیکته می‌شود، اینجا شهر خودش را با رفتار واقعی مردم تنظیم می‌کند. شهرسازی اقلیمی پیوند دادن تاکتیک‌های سریع با اهداف بزرگ محیط‌زیستی مثل مقابله با گرمای زمین است. از آنجا که در جزایر حرارتی شهری مناطقی در شهر که به دلیل تجمع آسفالت و ساختمان‌ها، دمای بسیار بالاتری نسبت به اطراف دارند؛ شهرسازی تاکتیکی با ایجاد سریع فضاهای سبز می‌تواند این اثر را کاهش دهد. در کل می‌توان دریافت که چطور «موقت بودن» می‌تواند ابزاری برای رسیدن به «پایداری دائمی» باشد.

شهرسازی تاکتیکی با چابکی و انعطاف‌پذیری به یک درایی واقعی برای ساخت شهرها و مناطق پایدار تبدیل می‌شود. این چابکی، همان حلقه‌ی مفقوده‌ای است که شاید در طراحی‌های شهرسازی کلاسیک پیش از حد جای خالی‌اش احساس می‌شود. در واقع صحبت از آزمون‌ها با کمترین هزینه است تا بتوان رفتارها و نحوه استفاده مردم را مشاهده کرد و سپس آنچه را که برای همگان عادلانه و منصفانه است، به شکلی دائمی تثبیت کرد.

بنابراین، آیا در آینده و با هدف بازآفرینی شهرهایمان در برابر چالش‌هایی که با آن‌ها روبرو هستیم (کم‌آبی، آلودگی، سر و صدا و جزایر حرارتی شهری)، شهرسازی تاکتیکی و اقلیمی می‌تواند به یک رویه پایدار برای شهرهای پایدار تبدیل شود؟

منبع:

https://leshorizons.net/urbanisme-tactique-et-si-ca-perdurait

لازم بود ضمن کاهش استفاده از حمل‌ونقل عمومی، از بازگشت گسترده‌ی خودروی شخصی نیز جلوگیری شود؛ چراکه خودروهای شخصی عامل آلودگی هوا و صوتی، افزایش خطرات و تشدید ترافیک هستند. از این رو، بیشتر کلانشهرهای جهان بر ایجاد مسیرهای دوچرخه‌سواری «موقت» تمرکز کردند. این روند ابتدا در شهرهایی مانند بوگوتا و نیویورک آغاز شد و سپس در فرانسه نیز تقریباً تمام شهرهای بزرگ را دربر گرفت.

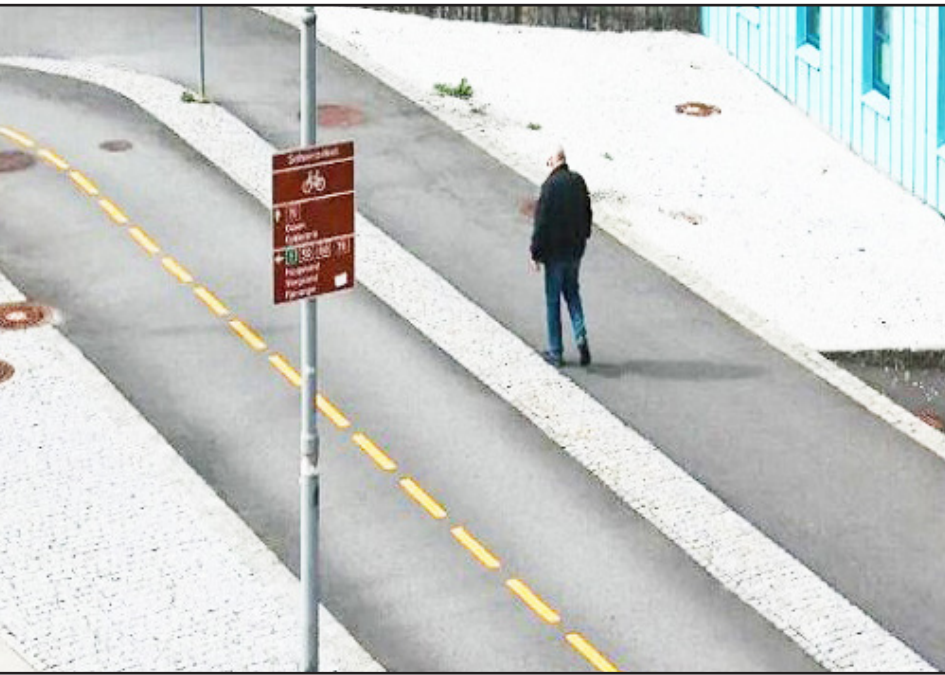
با حمایت آژانس محیط‌زیست و مدیریت انرژی فرانسه و مرکز مطالعات و تخصص در زمینه‌ی مخاطرات، محیط‌زیست، تحرک و برنامه‌ریزی شهری، نزدیک به هزار کیلومتر مسیر دوچرخه‌سواری در مدت‌زمانی بسیار کوتاه در سراسر کشور ایجاد شد. این مسیرها با علائم راهنمایی‌ای گاه ساده و ابتکاری و گاه پیشرفته‌تر اجرا شدند، اما مهم‌تر از همه این‌که به‌سرعت و با استقبال و تأیید افکار عمومی شکل گرفتند؛ به‌طوری که حتی بر اساس نخستین کارزارهای اعتراضی، شهروندان خواستار دائمی شدن مسیرهای دوچرخه‌سواری موقت شهر نیس در آینده شده‌اند.

شهر منطبق به پیاده‌ها

فراتر از این اقدامات (و سایر تدابیری که اخیراً برای تقویت استفاده از دوچرخه در شهرهای فرانسه اتخاذ شده)، اقدامات دیگری نیز در قالب مفهوم «شهرسازی تاکتیکی» احتمالاً طی هفته‌های آینده چهره شهرها را تغییر خواهند داد. بخش بزرگی از این تغییرات برای آن است که کافه‌ها و رستوران‌ها بتوانند تراس‌های خود را بازگشایی کنند، اما دلیل دیگر، جبران یک ناهنجاری بسیار رایج در اروپا و به‌ویژه در فرانسه است: پیاده‌روهای ما بیش از حد باریک هستند.

در واقع باید یادآوری کرد که ۵۰ تا ۸۰ درصد از فضای شهرها به خودروها اختصاص یافته است، چه برای تردد و چه برای پارک. این در حالی است که عرض اکثر پیاده‌روهای ما حتی به یک متر هم نمی‌رسد... که این موضوع حفظ «فاصله‌گذاری فیزیکی» را غیرممکن می‌کند؛ به‌ویژه زمانی که صف‌های طولانی در مقابل فروشگاه‌ها تشکیل می‌شود.

در اینجا نیز، «شهرسازی تاکتیکی» باید به بسیاری از شهرها اجازه دهد تا فضاهای عمومی خود را بازآفرینی کنند. چه در ویلنیوس، نیویورک و آتن، و چه در رن و نانت در فرانسه، چندین کلانشهر پیش از این اعلام کرده‌اند که مناطق پیاده‌راه جدیدی ایجاد می‌کنند تا کافه‌ها و رستوران‌ها بتوانند در تابستان امسال تراس‌های خود را برپا کنند. این



که اجازه می‌دهد در زمین‌های رهاشده و متروکه شهری که در انتظار احیای دوباره هستند، فضاهای اشتراکی ایجاد شود. اما در حالی که جهان میان وضعیت قرنطینه و خروج از آن در حال نوسان بود، ابتکارات شهرسازی تاکتیکی یا گذرا که در حال حاضر برای پاسخ به بحران بهداشتی قارچ‌گونه در حال رشد هستند، می‌توانند به کاتالیزورهایی واقعی برای شتاب بخشیدن به گذار زیست‌محیطی سرزمین‌های ما تبدیل شوند.

رونق بزرگ مسیرهای دوچرخه‌سواری

طبق ضرب‌المثل معروفی که می‌گوید: «شما پل را بر اساس تعداد افرادی که با شما از رودخانه عبور می‌کنند نمی‌سازید»، همواره ثابت شده است که هرچه مسیرهای دوچرخه‌سواری در یک شهر بیشتر باشد، دوچرخه‌سواران بیشتری از آن‌ها استفاده می‌کنند. آژانس مدیریت محیط‌زیست و انرژی فرانسه نیز در گزارش اخیر خود درباره اقتصاد دوچرخه، بر رابطه مستقیم میان «نرخ کاربران» و «طول مسیرهای ایجاد شده به ازای هر نفر» تأکید کرده است. به این پدیده در شهرسازی «تقاضای القایی» گفته می‌شود؛ یعنی برخلاف تصور عامه که اول باید تقاضا باشد تا زیرساخت ساخته شود، در اینجا ساخت زیرساخت امن، خودش باعث ایجاد تقاضا می‌شود.

با این حال، برای پاسخ‌گویی به الزامات دوره‌ی قرنطینه،

طرح نو؛ آذر کریم‌زاده در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از بحران جهانی همه‌گیری کرونا، شیوه‌های نوین مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در کانون توجه قرار گرفته‌اند. یکی از این رویکردهای تأثیرگذار، «شهرسازی تاکتیکی» است که با تکیه بر تغییرات سریع، کم‌هزینه و مشارکت‌محور، پاسخی عملی به چالش‌های پیچیده‌ی زیست‌محیطی و اجتماعی شهرها ارائه می‌دهد.

این مفهوم که ریشه در ایده‌های خلاقانه‌ای مانند «طب سوزنی شهری» دارد، با ایجاد نمونه‌های اولیه‌ی عملیاتی از مسیرهای دوچرخه‌سواری موقت تا گسترش فضاهای پیاده‌رو و سبز به شهرها اجازه می‌دهد تا با آزمون و خطا، راه‌حل‌های پایدار را در مقیاسی انسانی بیابند. اما آیا این اقدامات موقت صرفاً پاسخی اضطراری به بحران‌های مقطعی هستند یا می‌توانند به استانداردهای جدید در مسیر تحقق «شهر پایدار» تبدیل شوند؟ این نوشتار با بررسی پیوند میان شهرسازی تاکتیکی و اهداف پایداری شهری، نقش آن را در تسریع گذار زیست‌محیطی و افزایش کیفیت زندگی در شهرهای امروز و فردا مورد کندوکاو قرار می‌دهد.

از نخستین روزهای پایان قرنطینه، پدیدار شدن ناگهانی تعداد زیادی مسیر دوچرخه‌سواری و احتمالاً ایجاد خیابان‌های پیاده‌راه در روزهای آتی برای استقرار میز و صندلی‌های کافه‌ها و رستوران‌ها، مفهوم شهرسازی تاکتیکی را به کانون توجه آورد. اگرچه در حال حاضر به نظر می‌رسد اکثر این تجهیزات با توجه به مدیریت بحران بهداشتی، موقت باشند، اما شهرسازی تاکتیکی پاسخی فوق‌العاده کارآمد به بسیاری از چالش‌های «شهر پایدار» ارائه می‌دهد؛ مواردی نظیر: کیفیت زندگی، آلودگی صوتی، توسعه فضای سبز و مدیریت کیفیت هوا. با این اوصاف، آیا ممکن است این رویکرد به یک «استاندارد جدید» برای تسهیل گذار شهرهای ما به سوی محیط زیستی سالم‌تر تبدیل شود؟

شهرسازی تاکتیکی چیست؟

شهرسازی تاکتیکی مفهومی است که ریشه‌های آن به ایده‌ی «طب سوزنی شهری» بازمی‌گردد؛ مفهومی که توسط معمار و شهرساز برزیلی، خایمه لرنز، زمانی که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مطرح و اجرا شد. او این مفهوم را به‌عنوان روشی برای «واکنش‌پذیر کردن شهر با وارد کردن یک ضربه‌ی کوچک و هدفمند به برخی نقاط، به‌منظور کمک به بهبود آن‌ها و ایجاد یک واکنش زنجیره‌ای» تعریف می‌کند. در این رویکرد، تمرکز بر تسهیل شکل‌گیری پروژه‌هایی در مقیاس انسانی، با هزینه‌های اندک و با مشارکت شهروندان است؛

به عبارت دیگر، شهرسازی تاکتیکی یعنی ساخت سریع یک نمونه اولیه عملیاتی با کمترین هزینه، تکرار و اصلاح آن بر اساس نحوه استفاده کاربران، تا در نهایت به نسخه‌ی دست یافت که قابل مقیاس‌پذیری یا پیاده‌سازی در ابعاد گسترده باشد. این یک روش چابک، سریع و کارآمد برای ایجاد خدمات یا محصولات است که در آن، «کاربر نهایی» در مرکز توجه قرار دارد.

در مسیر حرکت به سمت مدل‌های شهر پایدار، شهرسازی تاکتیکی می‌تواند نیروی واقعی برای تسهیل فرایندهایی چون فضای سبز شهری، بازپس‌گیری فضاهای عمومی در حوزه حمل‌ونقل، یا احیای برخی محله‌ها باشد؛ رویکردی